

ایران توشه

- دانلود نمونه سوالات امتحانی

- دانلود گام به گام

- دانلود آزمون گاج و قلم چی و سنجش

- دانلود فیلم و مقاله انگلیزی

- کنکور و مشاوره



IranTooshe.ir



@irantooshe



IranTooshe



المُعْجَم

" إِعْلَمُوا " صِيغُ الْأَفْعَالِ

" التمرین ۱ "

" حوار "

" التمرین ۲ "

" التمرین ۴ "

" التمرین ۳ "

" التمرین ۵ "

" التمرین ۶ "

" البحث العلمي "

کاری از :

محمد باقر بهروزی

سال تحصیلی ۹۶-۹۷

با تشکر از اساتید کانال استاد هریسی

" متن و ترجمه " درس ۱ عربی زبان قرآن (۱) انسانی

﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ﴾ انعام : ۱

ستایش از آن خدایی است که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنایی را بنهاد (قرار داد) .

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ : درس اول ص ۲

ذَٰكَ هُوَ اللَّهُ : آن همان خداست

۱. أَنْظِرْ لَتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضْرَةَ

به آن درخت دارای شاخه های تر و تازه نگاه کن.

۲. كَيْفَ هَمَّتْ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً

چگونه از دانه ای روییده است و چگونه درختی شده است؟

۳. فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ

جست و جو کن و بگو چه کسی میوه را از آن بیرون می آورد؟

۴. وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْنَهَا مُسْتَعْرَةً

و به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است نگاه کن.

۵. فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ

در آن نور و روشنایی هست و به کمک (وسیله) آن گرمایی (حرارتی) پراکنده هست.

۶. مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ

چه کسی آن را در فضا مانند پاره آتش پدید آورد؟

۷. ذَٰكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ

آن همان خدایی است که نعمت هایش ریزان است.

۸. ذُو حِكْمَةٍ بِالْغَةِ وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ

دارای (صاحب) حکمت و دانشی کامل و نیروی توانایی (نیروی توانمند) است.

۹. أَنْظِرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ

به شب نگاه کن؛ چه کسی ماهش را در آن پدید آورد؟

۱۰. وَ زَانَهُ بِالنُّجُومِ كَالدَّرْرِ الْمُنْتَشِرَةِ

و آن (شب) را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد؟

۱۱. وَ انظُرْ إِلَى الْعِیمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطْرَهُ

و به ابر نگاه کن ؛ چه کسی از آن بارانش را نازل کرد (فرو فرستاد) ؟

۱۲. فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ اغْبَارِ خَضْرَاهُ

و زمین را بوسیلهی آن پس از تیره رنگی (غبارآلودگی) سرسبز گردانید.

۱۳. وَ انظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلْ مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصْرَهُ

به انسان نگاه کن و بگو چه کسی بینایی اش را در او پدید آورده است ؟ (شکافت)

۱۴. مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَهُ

چه کسی او را به نیروی اندیشمند مجهز کرد؟

۱۵. ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ

آن همان خدایی است که نعمت هایش ریزان است .



۱۷ **الشاعر:** معروف الرصافي، شاعر عراقي من أب كُرديّ النّسبِ و أمّ تُركمانيّة، له آثارٌ كثيرةٌ في النثرِ و الشعرِ.

شاعر : معروف الرصافي است شاعر عراقي از پدری کرد نسب و مادری ترکمن که آثار زیادی در نثر و شعر دارد .



" الْمُعْجَم " ص ۳



غيم : ابر	ذا : این = هذا	اغبار : تیره رنگی ، غبار آلودگی
قُل : بگو	ذات : دارای	أنجم : ستارگان « مفرد : نجم ، نَجْمَة »
مُسْتَعْرَة : فروزان	ذاك : آن	أَنْزَلَ : نازل کرد
مُفْتَكِرَة : اندیشمند	ذو : دارای	أَنْعَمَ : نعمت ها « مفرد : نعمة »
مُنْهَمَرَة : ریزان	زان : زینت داد	أَوْجَدَ : پدید آورد
نَصْرَة : تر و تازه	شَرَرَة : اخگر (پاره آتش)	بالغ : کامل
مَتَّ : رشد کرد « مؤنث مَما »	شَقَّ : شکافت	جذوة : پاره آتش
يُخْرِجُ : درمی آورد	صير : گردانید	جهز : مجهز کرد
	ضياء : روشنایی	خَضْرَة : سرسبز
	غصون : شاخه ها (مفرد : غصن)	دُرر : مرواریدها (مفرد : دُر)



" إَعْلَمُوا " صِيغَةُ الْأَفْعَالِ ص ٤



با نام گذاری صیغه های فعل ها در دستور زبان عربی آشنا شوید.

نام صیغه به فارسی	نام صیغه به عربی	ضمیر	ضمیر	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	متکلم وحده	من	أنا	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ	-	-
دوم شخص مفرد	مفرد مذکر مخاطب	تو	أنتَ	فَعَلْتَ	تَفْعَلُ	اِفْعَلْ	لا تَفْعَلْ
	مفرد مؤنث مخاطب		أنتِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	اِفْعَلِي	لا تَفْعَلِي
سوم شخص مفرد	مفرد مذکر غایب	او	هُوَ	فَعَلَ	يَفْعَلُ	-	-
	مفرد مؤنث غایب		هِيَ	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ	-	-
اول شخص جمع	متکلم مع الغير	ما	نحنُ	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ	-	-
دوم شخص جمع	جمع مذکر مخاطب	شما	أنتُمْ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	اِفْعَلُوا	لا تَفْعَلُوا
	جمع مؤنث مخاطب		أنتنَّ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	اِفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ
	مثنای مذکر مخاطب		أنتما	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	اِفْعَلَا	لا تَفْعَلَا
	مثنای مؤنث مخاطب		أنتما	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	اِفْعَلَا	لا تَفْعَلَا
سوم شخص جمع	جمع مذکر غایب	ایشان	هُمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	-	-
	جمع مؤنث غایب		هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	-	-
	مثنای مذکر غایب		هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	-	-
	مثنای مؤنث غایب		هُمَا	فَعَلْتَا	تَفْعَلَانِ	-	-



" حوار " ص ٥

التعارفُ : آشنایی



زائر مَرَقْدَ امیرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ (ع) : زائر مرقد امیر مومنان علی (ع)	أَحَدَ الْمُؤَظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ : یکی از کارمندان در سالن فرودگاه
أَسْلَامٌ عَلَيْكُمْ : سلام بر شما	وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ : و سلام و رحمت خداوند و برکاتش بر شما
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي : صبح به خیر ای برادرم	صَبَاحَ النُّورِ وَ السَّرورِ : صبح پر از نور و روشنایی
كَيْفَ حَالُكَ ؟ حالت چطور است ؟	أَنَا بِخَيْرٍ ، وَ كَيْفَ أَنْتَ ؟ من خوبم و شما چطورید ؟
بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ : خوبم الحمدلله.	عَفْوًا ، مَنْ أَيْنَ أَنْتَ ؟ ببخشید . اهل کجا هستی ؟
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ : من از جمهوری اسلامی ایران هستم.	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ ؟ اسم شریفتان چیست ؟
اسمي حَسِينٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ ؟ اسم من حسین است و اسم شریف شما چیست ؟	اسمي عَبْدُ الرَّحْمَنِ : اسم من عبدالرحمن است.
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانٍ حَتَّى الْآنَ ؟ آیا تا الان به ایران سفر کرده ای ؟	لَا ؛ مَعَ الْأَسْفِ . لَكِنِّي أَحَبُّ أَنْ أُسَافِرَ : نه ؛ متأسفانه . اما دوست دارم که مسافرت کنم.
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانٍ ! ان شاءالله به ایران سفر می کنی.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ ؛ إِلَى اللَّقَاءِ ؛ مَعَ السَّلَامَةِ : ان شاءالله ؛ به امید دیدار ؛ به سلامت
فِي أَمَانِ اللَّهِ : خدا نگهدار	فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حَفْظِهِ ، يَا حَبِيبِي : دوست من خداحافظ و نگهدار (شما باشد)

مَعَ الْأَسْفِ : متأسفانه

مَطَارٌ : فرودگاه

قَاعَةٌ : سالن

تَعَارُفٌ : آشنایی با یکدیگر
أَنْ أُسَافِرَ : که سفر کنم



" التَّمارين ۱ " ص ۶



التَّمرينُ الأوَّلُ : كَمَّلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

۱- ﴿ وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴾ الشُّعراء : ۸۴

ترجمه : و برای من یاد نیکو در " آیندگان قرار بده "

۲- ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴾ الصَّفّ : ۲

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید ، " چرا می گویند آنچه را که انجام نمی دهید "

۳- ﴿ وَ اعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي مِمَّا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴾ الْمُؤْمِنون : ۵۱

ترجمه : و کار نیکو " انجام دهید قطعاً من به آنچه انجام می دهید ، آگاه هستم "

۴- ﴿ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴾ الأعراف : ۷

ترجمه : پروردگارا " ما را با گروه ستمکاران قرار مده "

۵- «لَاتَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ ... وَ لَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ ». رَسُولُ اللَّهِ (ص)
ترجمه : به بسیاری " نمازشان " و روزه شان و بسیاری حجّ گزاردن شان " نگاه نکنید " بلکه به راستگویی (راستی گفتار) و امانت داری آنها نگاه کنید (بنگرید) "

۶- « اِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ ». رَسُولُ اللَّهِ (ص)
ترجمه : به کسی که در زمین است ، " رحم کن تا آن که در آسمان است ، به تو رحم کند "

۷- « أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ قَرِيضَةٌ ». رَسُولُ اللَّهِ (ص)
ترجمه : دانش را طلب کنید گرچه " در چین باشد " زیرا طلب دانش " واجب است "



" التمارين ۲ " ص ۷



التَّيْمِينُ الثَّانِي : اِقْرَأِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

۱- اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : برای (۱ دنیایت - دنیا) چنان کار کن گویی همیشه (۲ زندگی می کنی - لذت می بری) و برای آخرت چنان کار کن گویی (۳ فردا می میری - نزدیک است بمیری) .

پاسخ : دنیایت - زندگی می کنی - فردا می میری

۲- « أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَاتَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ » أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

ترجمه : به آنچه گفته است (۱ بنگر - می نگرم) و به آن که گفته است (۲ بنگر - نمی نگرم) .

پاسخ : بنگر - ننگر

۳- « إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ » أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع)

ترجمه : هرگاه فرومایگان (۱ به فرمانروایی رسیدند - مالک قدرت شدند) ؛ شایستگان هلاک شدند .

پاسخ : به فرمانروایی رسیدند

۴- « مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ » أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع)

ترجمه : هر کس (۱ دشمنی - دوستی) کاشت ؛ (۲ زیان - سود) درو کرد .

پاسخ : دشمنی - زیان

۵- « الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ » أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

ترجمه : سخن مانند داروست . اندکش (۱ سود می رساند - شفا می دهد) و بسیارش کُشنده است .

پاسخ : سود می‌رساند

۶- إِذَا قَدَرْتَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. أمير المؤمنين علي (ع)

ترجمه : هر گاه بر (✓ دشمنت قادر شدی - دشمن را شکست دادی) ، بخشیدن او را شکرانه قدرت یافتن بر او (قرار می دهی - ✓ قرار بده)

پاسخ : دشمنت قادر شدی - قرار بده

۷- قَوْلٌ « لَا أَعْلَمُ » نِصْفُ الْعِلْمِ. امیر المؤمنین علی (ع)

ترجمه : گفتن (می دانم - ✓ نمی دانم) ، نیمی از دانش است.

پاسخ : نمی دانم



" التمارین ۳ " ص ۸



التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ : صَعٌّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدِ الْمُنَاسِبِ. « كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ »

۱. الشَّرَرَةُ : قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ .

ترجمه : آخگر : پاره ای از آتش است

۲. الشَّمْسُ : جَذْوَتُهَا مُسْتَعْرَةٌ ، فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.

ترجمه : خورشید : آتشش فروزان است ، در آن روشنایی است و به وسیله آن گرما پراکنده می شود.

۳. الْقَمَرُ : كَوْكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ. يَدُورُ : می چرخد

ترجمه : ماه : سیاره ای است که به دور زمین می چرخد ، روشنایش از خورشید است.

۴. الْأَنْعَمُ : نِعْمَتٌ هِيَ : لُغَةٌ إِضَافِيَةٌ. اِبْرَاهِيمُ بْنُ الْمُنْذِرِ : مُؤَلِّفُهُ

۵. الْغَيْمُ : بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.

ترجمه : ابر : بخاری فشرده و انبوه (جمع شده) در آسمان است که باران از آن می بارد.

۶. الْأَلْوَانُ : مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.

ترجمه : فُستَان (پیراهن زنانه) : از لباس های زنانه دارای رنگ های مختلف است.

۷. الدَّرَرُ : مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ .

ترجمه : مرواریدها : از سنگ های زیبای گران قیمت دارای رنگ سفید هستند.



" التمارین ۴ " ص ۸



التمرین الرابع: صَعِّ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ .

هُؤْلَاءُ فَائِزَاتٌ / هُذَانِ الدَّلِيلَانِ / تَلَكَ بَطَّارِيَةٌ / أَوْلَئِكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءُ الْأَعْدَاءُ / هَاتَانِ الرَّجَايَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث
تلك بطارية: آن باطری	هذان الدليلان: این دو راهنما	هاتان الرجأتان: این دو شیشه
جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
أولئك الصالحون: آن نیکوکاران	هؤلاء فائزات: اینها برنده اند	هؤلاء الأعداء: این دشمنان



" التمارین ۵ " ص ۱۲



التمرین الخامس: صَعِّ الْمُتْرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ . = ≠

ضِيَاءٌ / نَامٌ / نَاجِحٌ / مَسْرُورٌ / قَرِيبٌ / جَمِيلٌ / نِهَائِيَةٌ / يَمِينٌ / غَالِيَةٌ / شِرَاءٌ / مَسْمُوحٌ / مُجَدِّ

رَخِيصَةٌ # غَالِيَةٌ ارزان / گرانبها، ارزشمند	رَاسِبٌ # نَاجِحٌ مردود / قبول	يَسَارٌ # يَمِينٌ چپ / راست
بَيْعٌ # شِرَاءٌ فروش / خرید	بَدَايَةٌ # نِهَائِيَةٌ آغاز / پایان	بَعِيدٌ # قَرِيبٌ دور / نزدیک
رَقْدٌ = نَامٌ خوابید، بستری شد	قَبِيحٌ # جَمِيلٌ زشت / زیبا	نور = ضِيَاءٌ نور، روشنایی
حَزِينٌ # مَسْرُورٌ اندوهگین / شاد	مَجْتَهِدٌ = مُجَدِّ کوشا، تلاشگر	مَمْنُوعٌ # مَسْمُوحٌ منع شده / مجاز، اجازه داده شده



" التمارین ۶ " ص ۱۲



التمرین السادس: أَرَسِّمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.

الْتَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعًا



الْتَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ



الخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ



"الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ" ص ۱۰

﴿ اِبْحَثْ فِي الْاِنْتَرْنِتِ اَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ اَوْ جَمَلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظْمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللّٰهِ ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ اِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِينًا مَعْجَمَ عَرَبِيٍّ فَارِسِيٍّ .

ترجمه : در اینترنت یا کتابخانه درباره متنی کوتاه یا جمله هایی به زبان عربی درباره بزرگی مخلوقات خدا ، جستجو کن ، سپس با کمک واژه نامه عربی فارسی آنها را ترجمه کن .

﴿ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا ﴿ اَلْ عَمْرَانَ : ۱۹۱

ترجمه : و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند پروردگارا این را بیهوده نیافریده ای .

منتظر ارسال پیشنهادات و انتقادات اساتید هستم (Mohba_behruzi@)

" محمد باقر بهروزی "

آبان ۹۶

ایران تون الله

رفتن به ابتدای صفحه

توشه ای برای موفقیت

المُعْجَم

" إِعْلَمُوا " الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

" التمرین ۱ "

" حوار "

" التمرین ۲ "

" التمرین ۴ "

" التمرین ۳ "

" التمرین ۵ "

" التمرین ۶ "

" البحث العلمي "

توشه ای برای موفقیت

کاری از :

محمد باقر بهروزی

سال تحصیلی ۹۶-۹۷

با تشکر از اساتید کانال استاد هریسی

" متن و ترجمه " درس ۲ عربی زبان قرآن (۱) انسانی



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : « إِنِّي مَسْئُولٌ وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ »

بی گمان من و شما مسئول هستید.



الدَّرْسُ الثَّانِي : درس دوم ص ۱۲

« إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ » : قطعاً شما مسئول هستید.

كَانَتْ سَمِيَّةٌ بِإِنْتِظَارِ وَالِدَتِهَا بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمَدْرَسِيِّ : سمیه پس از پایان ساعت کار مدرسه منتظر مادرش بود.

و كَانَتْ حُجْرَاتُ الْمَدْرَسَةِ مُغْلَقَةً : و کلاس های (اتاق های) مدرسه بسته بود .

و كَانَتْ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ وَ بَعْضَ الْمُدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرُغَ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ .

و مدیر مدرسه و برخی از معلم‌ها منتظر بودند (انتظار می کشیدند) که مدرسه از دانش آموزان خالی گردد.

عِنْدَئِذٍ سَمِعَتْ سَمِيَّةٌ صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجْرَاتِ : در این هنگام سمیه صدای کولر را از یکی از اتاق ها شنید .

فَظَنَّتْ أَنَّ طَالِبَاتِ صَفِّ آخَرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ ، أَوْ يُمَارِسْنَ نَشَاطًا حُرًّا : گمان کرد که دانش آموزان کلاسی دیگر در کلاس تقویتی هستند ، یا مشغول فعالیت آزاد هستند.

وَ عِنْدَمَا نَظَرَتْ بِدِقَّةٍ ، وَجَدَتْ الْحُجْرَةَ فَارِغَةً وَ بَابَهَا مُغْلَقًا :

و آن گاه که با دقت نگاه کرد ، اتاق را خالی و درش را بسته یافت.

فَدَهَبَتْ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ ، وَ أَخْبَرَتْهَا بِمَا شَاهَدَتْ ، فَشَكَرَتْهَا الْمُدِيرَةُ ، وَ طَلَبَتْ مِنْ سَمِيَّةٍ إِطْفَاءَ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ .

و در نتیجه (پس) به سوی مدیر رفت و او را از آنچه دیده بود با خبر کرد، مدیر از او تشکر کرد و از سمیه درخواست کرد(خواست) چراغها و کولر را خاموش کند.

عِنْدَئِذٍ شَاهَدَتْ الْمُدِيرَةُ طَالِبَةً بِاسْمِ فَاطِمَةَ ؛ كَانَتْ فَاطِمَةُ تَذْهَبُ لِإِغْلَاقِ حَنْفِيَّةِ الْمَاءِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلًا .

در این هنگام مدیر دانش آموزی به نام فاطمه را دید ؛ این دانش آموز (داشت) برای بستن شیرآبی که کمی باز بود می رفت.

وَ فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِيِ ، شَكَرَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ سَمِيَّةَ وَ فَاطِمَةَ لِاهْتِمَامِهِمَا بِالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ .

و در صبح روز بعد ، مدیر مدرسه در صف صبحگاه از سمیه و فاطمه به خاطر توجه آنها به تأسیسات عمومی سپاسگزاری کرد.

وَ فِي حِصَّةِ الْعُلُومِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ ، قَامَتْ رُقِيَّةٌ وَ سَأَلَتْ الْمَدْرَسَةَ :

و در زنگ علوم اجتماعی رقیه برخاست و از معلم پرسید :

« مَا الْمَقْصُودُ بِالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ ؟ » : منظور از تأسیسات عمومی چیست ؟

أَجَابَتِ الْمُدْرَسَةُ : « هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي مَتَلَكَّهَا الدَّوْلَةُ ، وَ يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ جَمِيعًا . إِذَا فَهَمْتَ مَعْنَاهَا ، فَأَذْكَرِي لَنَا أَمْثَلَةً لِلْمَرَاقِي الْعَامَّةِ . » معلّم پاسخ داد : آن جاهایی است که دولت مالک آن است ، و همه مردم از آن سود می‌برند. اگر (هرگاه) معنایش را فهمیدی برابمان برای تأسیسات عمومی مثال‌هایی ذکر کن.

أَجَابَتْ رُقِيَّةُ : « الْمَدَارِسُ وَ الْهَوَاتِفُ الْعَامَّةُ وَ الْمَسْتَشْفِيَّاتُ وَ الْمَسْتَوْصَفَاتُ وَ الْمَتَاحِفُ وَ الْمَكْتَبَاتُ وَ دَوَارُ الْمِيَاهِ وَ الْحَدَائِقُ الْعَامَّةُ وَ الْأَشْجَارُ عَلَى الرَّصِيفِ وَ أَعْمَدَةُ الْكَهْرِبَاءِ... » رقیه پاسخ داد : مدرسه ها ، تلفن های عمومی و بیمارستان ها و درمانگاه ها و موزه ها و کتابخانه ها و سرویس های بهداشتی و درختان کنار پیاده رو و تیرهای برق ...

أَجَابَتِ الْمُدْرَسَةُ : « أَحْسَنْتَ ، وَ الْحِفَاظُ عَلَى هَذِهِ الْمَرَاقِي وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ . »

« معلّم پاسخ داد : آفرین بر تو ، و نگهداری از این تأسیسات بر هر شهروندی (هم میهنی) واجب است.»

سَأَلَتِ الطَّالِبَاتُ بِتَعْجَبٍ : « لِمَ وَ كَيْفَ ؟ ! ذَلِكَ وَاجِبُ الدَّوْلَةِ »

دانش آموزان (دختر) با شگفتی پرسیدند : چرا و چگونه؟! آن وظیفه دولت است.

قَالَتِ الْمُدْرَسَةُ : « بَلْ هِيَ مَسْؤُولِيَّةٌ مُشْتَرَكَةٌ ، فَسَمِيَتْ الَّتِي أُطْفِئَتْ الْمَكِيفُ وَ الْمَصَابِيحُ . »

خانم معلّم گفت : البته که مسئولیتی مشترک است ، سمیه که کولر و چراغها را خاموش کرد .

وَ فَاطِمَةُ الَّتِي أَعْلَقَتْ حَنْفِيَّةَ الْمَاءِ وَ الطَّالِبَةُ الَّتِي تَدْخُلُ مَكْتَبَةَ الْمُدْرَسَةِ فَتُحَافِظُ عَلَى الْهُدُوءِ فِيهَا وَ عَلَى نِظَافَةِ الْكُتُبِ وَ تَرْتِيبِهَا : وَ فَاطِمَةُ كَمَا شِيرَابَ رَا بَسْتِ وَ دَانِشْ أَمُوزِي كَه وَارِد كِتَابْخَانَه مَدْرَسَه مِي شُود وَ آرَامِشْ أَنْ وَ پَاكيزگي كِتَابْهَآ وَ تَرْتِيبْ أَنْهَآ رَا حَفْظْ مِي كَنْدِ .

وَ تَلَّكَ الَّتِي تَنْصَحُ مَنْ يَرْمِي النِّفَايَاتِ فِي غَيْرِ مَكَانِهَا بِكَلَامٍ طَيِّبٍ : وَ أَنْ (دَانِشْ أَمُوزِي كَه) كَسِي رَا كَه زِبَالَه رَا دَر غَيْرِ جَايِ مَنَاسِبِ مِي اَنْدَاذِدْ بَا زَبَانِي خُوشْ نَصِيحْتِ مِي كَنْدِ .

هُؤْلَاءِ يَعْْمَلْنَ بِوَأَجَابَتِهِنَّ كَمُوَاطِنَاتٍ يَشْعُرْنَ بِالْمَسْؤُولِيَّةِ : اَيْنِ هَا مَانِدِ شَهْرُودَانِي كَه اِحْسَاسْ مَسْؤُولِيَّتِ مِي كَنْدِ بَه وَظِيْفَهْ شَانِ عَمَلِ مِي كَنْدِ .

قَامَتْ سُمَيَّةُ وَ قَالَتْ : « أَلَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ كِتَابَتُهُ هَذَا الْحَدِيثِ عَلَى اللُّوْحَةِ الْجِدَارِيَّةِ ؟ »

سمیه برخاست و گفت : آیا نوشتن این حدیث روی تابلوی دیواری مناسب نیست؟

إِنَّكُمْ مَسْؤُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

« قطعاً شما مسئول هستید حتی در مورد زمین‌ها و چارپایان. »

قِيلَتْ الْمُدْرَسَةُ وَ قَالَتْ : « هَذَا الْاِقْتِرَاحُ حَسَنٌ ، وَ سَنَتَعَاوَنُ جَمِيعًا عَلَى الْعَمَلِ بِهَذَا الْحَدِيثِ . »

خانم معلّم پذیرفت و گفت : این پیشنهاد خوب است و همگی برای عمل به این حدیث شریف همیاری می‌کنیم.



" الْمُعْجَم " ص ۱۳



قَامَ : برخاست	تَيَّار : جریان	أَحْسَنَتْ : آفرین بر تو
مَارَسَ : انجام داد ، تمرین کرد	حَافِظٌ : نگهداری کرد	أَخْبَرَ : خبر داد
مُرَافِقُ عَامَّةً : تأسیسات عمومی	حَجَرَاتٌ : اتاق ها	اصطفا ف صَبَاحِي : صف صبحگاه
مُغْلِقٌ : بسته شده	حُرٌ : آزاد ، آزاده	أَطْمَأَنَّ : خاموش کرد
مُكَيِّفُ الْهَوَاءِ : کولر	حِصَّةٌ : زنگ درسی ، قسمت	أَعْمَدَةٌ : ستون ها « مفرد : عمود »
مُؤَاطِنٌ : شهروند ، هم میهن	حَفَاطٌ عَلَيَّ : نگهداری از	أَغْلَقَ : بست
نَشَاطٌ : فعالیت	حَنْفِيَّةُ الْمَاءِ : شیر آب	اِقْتِرَاحٌ : پیشنهاد
نَصَحَ : پند داد	دَوَامٌ مَدْرَسِيٌّ : ساعت کار مدرسه	اِمْتَلَكَ : مالک شد
نُفَايَةٌ : زباله	دَوْرَةُ الْمِيَاهِ : سرویس بهداشتی	اِنْتَفَعَ : سود برد
هَدَوًى : آرامش	رَمَى : پرت کرد	بِهَائِمٌ : چارپایان (به جز درندگان) « مفرد : بهيمة »
هَاتِفٌ : تلفن	عِنْدَيْدٌ : در این هنگام	بِقَاعٌ : قطعه های زمین « مفرد : بقعة »
	فَرَعٌ : خالی شد	تَعَاوَنَ : همکاری کرد



" حول النص " ص ۱۴



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأُ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

(۱) كَانَتْ سُمَيَّةٌ بِاِنْتِظَارِ وَالِدَتِهَا لِذَهَابِ اِلَى الْمَنْزِلِ . صحیح

ترجمه : سمیه در انتظار مادرش بود تا به منزل برود .

(۲) ذَهَبَتِ الْمُدِيرَةُ نَفْسَهَا لِإِطْفَاءِ الْمَصَابِيحِ وَالْمُكَيِّفِ . غلط

ترجمه : مدیر خودش برای خاموش کردن چراغها و کولر رفت .

(۳) أَخْبَرَتْ سُمَيَّةُ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ مَا شَاهَدَتْ فِي الْحُجْرَةِ . صحیح

ترجمه : سمیه آنچه را در اتاق دید به مدیر خبر داد .

(۴) الْمُرَافِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي يَمْتَلِكُهَا بَعْضُ النَّاسِ . غلط

ترجمه : تأسیسات عمومی همان مکان هایی است که برخی مردم آنرا مالک (صاحب) آن می شوند .

(۵) شَكَرَتْ الْمُدِيرَةُ فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ جَمِيعَ الطَّالِبَاتِ . غلط

ترجمه : مدیر در صف صبحگاه از همه دانش آموزان تشکر کرد .



" اَعْلَمُوا " الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ ص ٤



الأعدادُ الأصليةُ (واحدٌ إلى عشرين)	الأعدادُ الترتيبيةُ (الأولُ إلى العشرين)	العقودُ
واحد ١	الأول ١	أحادي عشر ١١ م
اثنان ٢	الثاني ٢	عشرون ٢٠
ثلاثة ٣	الثالث ٣	ثلاثون ٣٠
أربعة ٤	الرابع ٤	أربعون ٤٠
خمسة ٥	الخامس ٥	خمسون ٥٠
ستة ٦	السادس ٦	ستون ٦٠
سبعة ٧	السابع ٧	سبعون ٧٠
ثمانية ٨	الثامن ٨	ثمانون ٨٠
تسعة ٩	التاسع ٩	تسعون ٩٠
عشرة ١٠	العاشر ١٠	العشرون ٢٠ م

١- به کلمات « رجال » و « گویا » در « خمسہ رجال » و « أحد عشر گویا » معدود گفته می شود.

٢- گاهی عددهای ثلاثة تا عشرة بدون « ه » می آیند؛ مثال: ثلاث و ثلاثة؛ أربع و أربعة .

٣- « مئة » به معنای « صد » به صورت « مائة » نیز نوشته می شود.

٤- عددهای « عشرون ، ثلاثون ، أربعون ، خمسون ، ستون ، سبعون ، ثمانون ، تسعون » عقود نام دارند.

٥- عقود با « ون » و « ين » می آید؛ مثال: أربعون و أربعين (فرق این دو را در درس های آینده خواهید خواند).

٦- « واحد ، واحده » و « اثنان ، اثنین ، اثنتان ، اثنتین » بعد از معدود می آیند؛ مثال: سائح واحد ، غصان اثنان ، امرأتین اثنتین.

٧- معدود سه تا ده مضاف الیه (مجرور) و به صورت جمع است . مثال: ثلاثة كتب .

٨- به عددهایی مانند واحد و عشرون ، اثنان و عشرون معطوف گفته می شود.

٩- در زبان عربی یکان پیش از دهگان می آید؛ مثال: أربعة و خمسون (٥٤) ، تسعة و سبعون (٧٩)

١٠- معدود عددهای « یازده » تا « نود و نه » مفرد (و منصوب) هستند؛ مثال: أحد عشر گویا ، تسعة و تسعون يوماً.

توجه: طرح سؤال از مبحث عدد ، خارج از ده نکته فوق در هر آزمونی به ویژه در کنکور خلاف اهداف آموزشی است.



" اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ " ص ۱۶



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرْجِمْ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

سی شب	۱- ﴿ثَلَاثِينَ لَيْلَةً﴾ الْأَعْرَافُ : ۱۴۲
هفتاد مرد	۲- ﴿سَبْعِينَ رَجُلًا﴾ الْأَعْرَافُ : ۱۵۵
پانزده مجسمه	۳- خَمْسَةَ عَشْرَ تَمَاثِلًا
بیست و یک دانشگاه	۴- وَاحِدَةً وَعِشْرُونَ جَامِعَةً
شانزده شهر	۵- سِتِّ عَشْرَةَ مَدِينَةً
نود و نه گاو	۶- تِسْعَ وَتِسْعُونَ بَقَرَةً
سی و هفت باغ	۷- سَبْعَ وَثَلَاثُونَ حَدِيقَةً
هفتاد و یک روستا	۸- وَاحِدَةً وَسَبْعُونَ قَرْيَةً
هشتاد و دو سال	۹- اثْنَانِ وَثَمَانُونَ عَامًا
بیست و نه صندلی	۱۰- تِسْعَةَ وَعِشْرُونَ كُرْسِيًّا



" حَوَارِ " ص ۱۷



فِي مَطَارِ النَّجْفِ الْأَشْرَفِ

در فرودگاه نجف اشرف

سَائِحٌ مِنَ الْكُوَيْتِ : جهانگردی از کویت	سَائِحٌ مِنْ إِيرَانِ : جهانگردی از ایران
وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ : درود و رحمت و برکات خدا بر شما	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ : درود بر شما
مَسَاءَ النُّورِ يَا عَزِيزِي : عصر به خیر و روشنی عزیزم	مَسَاءَ الْخَيْرِ يَا حَبِيبِي : عصر به خیر دوستم
لَا؛ أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ . أَأَنْتَ مِنْ بَاكِسْتَانِ ؟ نه من کویتی ام . آیا تو اهل پاکستانی ؟	هَلْ حَضَرْتَكُ مِنَ الْعِرَاقِ ؟ آیا جنابعالی اهل عراق هستی ؟
جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى ؛ وَ كَمْ مَرَّةً جِئْتُ أَنْتَ ؟ برای بار اول آمدم . و تو چندبار آمده ای ؟	لَا ؛ أَنَا إِيرَانِي . كَمْ مَرَّةً جِئْتُ لِلزِّيَارَةِ ؟ نه من ایرانی ام . چند بار برای زیارت آمدم ؟
كَمْ عُمْرَكَ ؟ چند سالت است ؟	أَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ : من برای بار دوم آمده ام

عُمَرِي سِتَّةَ عَشْرَ عَامًا : من ۱۶ سال دارم .	مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ ؟ تو اهل کدام شهری ؟
أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جُوِيَارٍ فِي مُحَاقَطَةِ مازَنْدَرَانِ : من اهل شهر جویبار در استان مازندران هستم .	مَا أَجْمَلُ غَابَاتِ مازَنْدَرَانِ وَ طَبِيعَتَهَا ! جنگل های مازندران و طبیعتش چه زیباست .
هَلْ دَهَبْتَ إِلَى إِيرَانَ مِنْ قَبْلُ ؟!	نَعَمْ ؛ دَهَبْتُ لِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الرِّضَا ، ثَامِنِ أُمَّتِنَا . بله برای زیارت امام رضا هشتمین امام مان رفتم .
كَيْفَ وَجَدْتَ إِيرَانَ ؟ ایران را چگونه یافتی (دیدی) ؟	إِنَّ إِيرَانَ بِلَادٌ جَمِيلَةٌ جَدًّا : قطعا ایران کشور بسیار زیبایی است وَ الشَّعْبُ الْإِيرَانِيُّ شَعْبٌ مِضْيَافٌ : و ملت ایرانی ملتی مهمان نوازند.

سَائِحٌ : گردشگر مَا أَجْمَلٌ : چه زیباست ! شَعْبٌ : ملت مِضْيَافٌ : مهمان دوست



" التَّمَارِينُ ۱ " ص ۱۸



🔹 التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ : اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ بِالْأَعْدَادِ كَالْمِثَالِ .

(+ زَائِدٌ) (- نَاقِصٌ) (÷ تَقْسِيمٌ عَلَى) (× ضَرْبٌ فِي)

$$۱۰ \times ۳ = ۳۰$$

۱. عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةِ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ :

$$۹۰ - ۱۰ = ۸۰$$

۲. تِسْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةَ يُسَاوِي ثَمَانِينَ :

$$۱۰۰ \div ۵ = ۲۰$$

۳. مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عِشْرِينَ .

۴. سِتَّةٌ فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةَ وَ سِتِّينَ .

$$۷۵ + ۲۵ = ۱۰۰$$

۵. خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةَ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً .

$$۸۲ \div ۲۰ = ۴۱$$

۶. اثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ .



برای اختصار کلمه «ضَرْبٌ» در «ضَرْبٌ فِي» حذف می شود.

زَائِدٌ : به علاوه نَاقِصٌ : منهای

يُسَاوِي : مساوی است با



" التمارین ۲ " ص ۱۸



التمرین الثانی : اُکْتُبْ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا مُنَاسِبًا.

۱. أَلْيَوْمُ ال مِنْ أَيَّامِ السَّبُوعِ يَوْمُ الْأَحَدِ.

پاسخ : ثانی

ترجمه : روز دوم از روزهای هفته ، یکشنبه است.

۲. أَلْيَوْمُ ال مِنْ أَيَّامِ السَّبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ.

پاسخ : سادس

ترجمه : روز ششم از روزهای هفته ، پنجشنبه است .

۳. الْفَصْلُ ال فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الشَّتَاءِ .

پاسخ : رابع

ترجمه : فصل چهارم در سال ایرانی ، فصل زمستان است.

۴. الْفَصْلُ ال فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الْخَرِيفِ .

پاسخ : ثالث

ترجمه : فصل سوم در سال ایرانی ، فصل پاییز است.

۵. يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً وَ الْفَائِزُ ال جَائِزَةً فَضِيَّةً.

پاسخ : ثانی

ترجمه : برنده اول جایزه طلا و برنده دوم جایزه نقره می گیرد.



" التمارین ۳ " ص ۱۹



التمرین الثالث : ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ . « كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ »

ترجمه : در دایره عدد مناسب را قرار بده . « یک کلمه اضافه است »

۱- النَّشَاطُ : عَمَلٌ بِتَحَرُّكٍ وَ سُرْعَةٍ .

ترجمه : فعالیت ، کاری با حرکت و سرعت است.

۲- الدَّوَامُ : سَاعَاتُ الْعَمَلِ لِلْمُوظَّفِينَ وَ الْعُمَالِ .

ترجمه : ساعت کار ، ساعت های کار کارمندان و کارگران است.

۳- الْحِصَّةُ : زَنْگِ دَرْسِيٍّ اِضَافَةٍ اِسْت .

۴- الْهَاتِفُ : آلَةٌ لِنَقْلِ الْأَصْوَاتِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ .

ترجمه : تلفن : وسیله ای برای انتقال صداها از جایی به جایی دیگر است.

۵- الْإِقْتِرَاحُ : إِعْطَاءُ حَلٍّ وَ بَيَانُ طَرِيقَةٍ لِلْقِيَامِ بِعَمَلٍ .

ترجمه: پیشنهاد، دادن راه حل و بیان روشی برای انجام به کاری است.

۶- الْمَوَاطِنُ: هُوَ الَّذِي يَعْيشُ مَعَنَا فِي وَطَنِ وَاحِدٍ

ترجمه: هم وطن، او کسی است که با ما در یک کشور زندگی می کند.

*** ◆ ***

" التمارین ۴ " ص ۱۹

*** ◆ ***

۱۱ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ « كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ »

ترجمه: در جای خالی کلمه‌ی مناسب از کلمات زیر را قرار بده. « دو کلمه اضافه است»

عَشْرٌ / الْهُدُوءُ / خَمْسِينَ / أَعْمَدَةٌ / أَخْبَرُونَا / مِضْيَافٌ / حُجْرَةٌ / يَمْتَلِكُ / فَرَعَتْ

۱- ﴿ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا عَامًا ﴾ اَلْعَنَكَبُوتُ : ۱۴

ترجمه: و قطعا ما نوح را به سوی قومش فرستادیم پس او در میان آنها ۹۵۰ سال درنگ (اقامت) کرد. (هزار سال به جزء پنجاه سال که می شود نهصد و پنجاه)

پاسخ: خَمْسِينَ

۲- ﴿ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ أَمْثَالُهَا ﴾ اَلْأَنْعَامُ : ۱۶

پاسخ: هر کس کار نیک بیاورد ده برابر آن (پاداش) دارد (خواهد داشت)

پاسخ: عَشْرٌ

۳- سَافَرْنَا إِلَى قَرْيَةٍ ، لِأَنَّنا بِحَاجَةٍ إِلَى

ترجمه: به روستایی سفر کردیم، زیرا به آرامش نیاز داریم.

توشه ای برای موفقیت

پاسخ: الْهُدُوءُ

۴- اَلْجِيرَانُ مِمَّا حَدَّثَ فِي الشَّارِعِ.

ترجمه: همسایه ها ما را از آنچه در خیابان اتفاق افتاد، باخبر کردند.

پاسخ: أَخْبَرُونَا

۵- أَنْزَلَ الْعَامِلُ الْبُضَائِعَ فَ..... السَّيَّارَةُ.

ترجمه: کارگر کالاها را پایین آورد پس ماشین خالی شد.

پاسخ: فَرَعَتْ

۶- هَلْ أَبُوكَ أَرْضًا فِي الْقَرْيَةِ ؟

ترجمه : يَمْتَلِكُ

پاسخ : آیا پدرت مالک زمینی در روستا است ؟

۷- كَيْسَتْ فِي الْفُنْدُقِ فَارِعَةً.

ترجمه : در هتل اتاق خالی نیست.

پاسخ : حُجْرَةٌ

* * * * *

جاءَ بٍ : آورد

لَبِثَ : درنگ کرد

أَرْسَلْنَا : فرستادیم

* * * * *

" التمارين ۵ " ص ۲۰

* * * * *

التمرين الخامس : تَرَجِّمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ . هَلْ تَعْلَمُ أَنْ ...

ترجمه : عبارات زیر را ترجمه کنید. آیا می دانی که ...

۱- الْكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا ؟

ترجمه : سگ قادر به شنیدن صدای ساعت از فاصله ۴۰ قدمی است (می باشد) ؟

۲- النَّمْلَةُ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً ؟

ترجمه : مورچه قادر به حمل (جابجایی) چیزی است که ۵۰ برابر از وزنش بیشتر است ؟

۳- ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ ؟

ترجمه : هشتاد درصد از موجودات جهان حشرات هستند ؟

۴- طَوْلَ قَامَةِ الزَّرَاقَةِ سِتَّةُ أَمْتَارٍ؟ (أَمْتَارٌ : جمع متر)

ترجمه : طول قد زرافه ۶ متر است ؟

۵- الْغُرَابُ يَعِيشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ ؟

ترجمه : کلاغ ۳۰ سال یا بیشتر زندگی می کند ؟

* * * * *

يَفُوقُ : برتری می یابد

مَلَّةٌ : مورچه

سَمَاعٌ : شنیدن

* * * * *

" التمارین ۶ " ص ۲۱



۱- التَّمْرِينُ السَّادِسُ : عَيْنُ الْعَدَدِ أَوْ الْمَعْدُودِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ.

۱- فِي الْإِصْطِفَاءِ الصَّبَاحِيِّ وَقَفْنَا فِي صُفُوفٍ . عَشْرَةَ الْعَاشِرِ

ترجمه : در صف صبحگاه در ۱۰ صف ایستادیم .

پاسخ : ۷ عَشْرَةَ

۲- يَلْعَبُ أَحَدُ عَشَرَ فِي فَرِيقِ كُرَةِ الْقَدَمِ . لِاعِبِينَ لِاعِبَاءَ

ترجمه : ۱۱ بازیکن در تیم فوتبال بازی می کند .

پاسخ : ۷ لِاعِبَاءَ

۳- أَرْبَعَةٌ وَاقِفُونَ أَمَامَ بَابِ الْمُنْظَمَةِ . جُنُودِ جُنْدِيٍّ

ترجمه : چهار سرباز روبروی درب سازمان ایستاده اند .

پاسخ : ۷ جُنُودِ

۴- تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي حُجْرَاتِ مَقْطُوعٍ . الرَّابِعِ أَرْبَعِ

ترجمه : جریان برق در چهار اتاق قطع شده است .

پاسخ : ۷ أَرْبَعِ

۵- اِثْنَانِ حَوْلَ كَوْكَبِ الْمَرِيخِ . قَمَرَانِ أَقْمَارُ

ترجمه : ۲ ماه دور سیاره مریخ هستند .

پاسخ : ۷ قَمَرَانِ

۶- وَاحِدَةٌ فِي الْحَدِيقَةِ مُغْلَقَةٌ . أَنْبُوبَةٌ أَنْبَابِ

ترجمه : ۱ لوله در باغ بسته شده است .

پاسخ : ۷ أَنْبُوبَةٌ

*** **

" البَحْثُ الْعِلْمِيَّ " ص ۲۲

*** **

﴿ اَكْتُبْ آيَةً أَوْ حَدِيثًا أَوْ نَصًّا بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ مَسْئُولِيَّةِ جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ بِالنُّسْبَةِ لِثَرَوَاتِ الْوَطَنِ وَ الْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ وَ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ وَ اَكْتُبْ تَرْجَمَتَهَا الْفَارْسِيَّةَ وَ الْإِنْجَلِيزِيَّةَ مُسْتَعِينًا بِمَعْجَمٍ. ﴾

ترجمه: آیه ای یا حدیثی یا متنی به زبان عربی درباره مسوولیت همه هموطنان نسبت به ثروت های کشور و تأسیسات عمومی و آثار تاریخی بنویس و با کمک واژه نامه ترجمه آنرا به فارسی و انگلیسی بنویس .

تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ . رَسُولُ اللَّهِ

Safeguard the earth, for it is your mother.

ترجمه : از زمین نگهداری کنید؛ زیرا مادرتان است.

منتظر ارسال پیشنهادات و انتقادات اساتید هستم (Mohba_behruzi@)

" محمد باقر بهروزی "

آبان ۹۶

توشه ای برای موفقیت

المُعْجَم

متن و ترجمه

" إِعْلَمُوا ۱ " الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَجْرَدُ وَالْمَزِيدُ (۱)

" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۱ " " إِعْلَمُوا ۲ " الْفِعْلُ اللَّازِمُ وَ الْفِعْلُ الْمُتَعَدِّي

" حوار "

" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۲ "

" التمرین ۱ "

" التمرین ۳ "

" التمرین ۲ "

" التمرین ۴ "

" البحث العلمي "

" التمرین ۵ "

ایران توننده

توشه ای برای موفقیت

کاری از :

محمد باقر بهروزی

سال تحصیلی ۹۶-۹۷

با تشکر از اساتید کانال استاد هریسی

" متن و ترجمه " درس ۳ عربی زبان قرآن (۱) انسانی



﴿ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ ... ﴾ ۴۸

خدا همان کسی است که بادهای او را می فرستد و ابری را برمی انگیزد و آن را در آسمان می گستراند.



الدَّرْسُ الثَّلَاثُ : درس سوم ص ۲۴

مَطَرُ السَّمَكِ : باران ماهی

هل تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَساقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! آیا باور می کنی که در روزی از روزها ماهی هایی را ببینی که از آسمان می افتند (می ریزند) ؟

إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلَجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ : مسلماً بارش باران و برف از آسمان چیزی (امری) طبیعی است.

و لَكِنْ أَيْمِكُنْ أَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! و اما آیا امکان دارد (ممکن است) که باران ماهی را ببینیم ؟

هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟! آیا گمان می کنی که آن باران حقیقت باشد. و فیلمی خیالی نیست؟

حَسَنًا فَإَنْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ : بسیار خوب ، پس به این عکس ها (تصویرها) نگاه کن تا باور کنی.

أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ أَسْمَاكَ. : به دقت نگاه کن . تو افتادن ماهی ها را از آسمان می بینی ، گویا (مثل اینکه) آسمان ماهی هایی می بارد.

يُسَمَّى النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ « مَطَرُ السَّمَكِ » : مردم این پدیده طبیعی را « باران ماهی » می نامند .

حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا : این پدیده ، مردم را سال های طولانی شگفت زده (متحیر - حیران) کرد و برای آن پاسخی نیافتند (پیدا نکردند) .

يَحْدُثُ « مَطَرُ السَّمَكِ » سَنَوِيًّا فِي جُمهُورِيَّةِ الْهِنْدُوْرَاسِ فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى : « باران ماهی » هر ساله (سالانه) در جمهوری هندوراس در امریکای مرکزی اتفاق می افتد.

تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا : این پدیده ، گاهی (احياناً) دو بار در سال اتفاق می افتد.

فَيَلْحَظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَ رَعْدًا وَ بَرَقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ : و مردم ابر سیاه بزرگی به و رعد و برق و بادهایی قوی و بارانی شدید را به مدت دو ساعت یا بیشتر ملاحظه می کنند.

ثُمَّ تُصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ : سپس زمین پوشیده از ماهی ها می شود .

فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لَطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلُهَا : و مردم آنها را پختن و خوردن شان بر می دارند (می برند)

حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ : دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده عجیب تلاش کردند.

فَأَرْسَلُوا قَرِيقًا لِرِيَاةِ الْمَكَانِ وَ التَّعَرَّفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ : و تیمی را برای دیدن آن مکان و شناختن ماهی هایی که بعد از این باران های شدید روی زمین می افتند فرستادند.

کتاب کمک درسی عربی زبان قرآن (۱) پایه " دهم انسانی " درس سوم محمد باقر بهروزی

فَوَجَدُوا أَنَّ جَمِيعَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ بِحَجْمٍ وَاحِدٍ وَ نَوْعٍ وَاحِدٍ : و دریافتند که بیشتر ماهی ها ی پخش (پراکنده) شده بر روی زمین از یک نوع هستند .

وَ لَكِنَّ الْعَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكَ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ : و اما عجیب در مساله ، آن است (شگفت این است) که ماهی ها متعلق به آب های مجاور (کناری) نیستند .

بَلْ مِيَاهِ الْمَحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مَائَتِي كِيلُومِتْرٍ عَن مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ : بلکه متعلق به آب های اقیانوس اطلس هستند که مسافت (به اندازه) ۲۰۰ کیلومتر از محل افتادن ماهی ها دور هستند .

ما هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ ؟ علت تشکیل این پدیده چیست ؟

يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ : گردباد شدیدی اتفاق می افتد و ماهی ها را با قدرت به آسمان می کشد .

وَ يَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَمَا يَفْقَدُ سُرْعَتَهُ تَتَسَاقَطُ عَلَى الْأَرْضِ : و آن ها را به مکانی دور می برد و هنگامی که سرعتش را از دست می دهد ، روی زمین می افتند .

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهِنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمُّوهُ « مَهْرَجَانَ مَطَرِ السَّمَكَ » : مردم در هندوراس هر سال (سالانه) این روز را جشن می گیرند و آن را « جشنواره باران ماهی » می نامند .



" الْمَعْجَم " ص ۲۶



أَثَارٌ : برانگیخت	تَسَاقَطٌ : پی در پی افتاد	حَتَّى تُصَدِّقَ : تا باور کنی
اِحْتَفَلٌ : جشن گرفت	التَّعَرَّفَ عَلَيَّ : شناختی	ظَاهِرَةٌ : پدیده « جمع : ظواهر »
أَرْسَلٌ : فرستاد	تَلَجٌ : برف ، یخ « جمع : تُلُوجٌ »	عَبْرٌ : از راه
أَصْبَحَ : شد	حَسَنًا : بسیار خوب	فِلمٌ : فیلم « جمع : أفلام »
إِعْصَارٌ : گردباد « جمع : أعاصير »	خَيْرٌ : حیران کرد	لَا حِطَّ : ملاحظه کرد
أَمْرِيكَا الْوُسْطَى : آمریکای مرکزی	سَحَبٌ : کشید	الْمَحِيطُ الْأَطْلَسِيُّ : اقیانوس اطلس
أَمْطَرَ : باران بارید	سَمِيٌّ : نامید	مَفْرُوشٌ : پوشیده
بَسَطَ : گستراند	سُودَاءٌ : سیاه (مؤنث أسود)	مَهْرَجَانٌ : جشنواره
بَعْدَ : دور شد	سَنَوِيًّا : سالانه	نَزُولٌ : پایین آمدن
تَرَى : می بینی « أَنْ تَرَى : که ببینی »	صَدَّقَ : باور کرد	

◆ ◆ ◆
" حول النص " ص ۲۶

◆ ◆ ◆

عَيْنَ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

(۱) يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهِنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَيُسَمُّونَهُ « مِهْرَجَانَ الْبَحْرِ ». غلط

ترجمه: اهالی هندوراس هر ماه این روز را جشن می گیرند و آن را « جشنواره دریا » می نامند.

(۲) عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ. صحیح

ترجمه: وقتی که گردباد سرعتش را از دست می دهد، ماهی ها روی زمین می افتند.

(۳) يَسَّسَ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ. غلط

ترجمه: دانشمندان از شناخت راز آن پدیده عجیب ناامید شدند.

(۴) إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَالثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ. صحیح

ترجمه: بارش باران و برف از آسمان امری (یک مسأله) طبیعی است.

(۵) تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ. غلط

ترجمه: این پدیده ده بار در سال اتفاق می افتد.

◆ ◆ ◆

" إَعْلَمُوا " الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَجْرَدُ وَالْمَزِيدُ (۱) ص ۲۷

◆ ◆ ◆

در زبان فارسی به فعل هایی مانند «رفت» و « برگشت »، سوم شخص مفرد می گوئیم.

فعل ها در زبان عربی براساس شکل « سوم شخص مفرد در فارسی » (مفرد مذکر غایب) به دو گروه تقسیم می شوند.

گروه اول: ثلاثی مجرد؛ یعنی فعل هایی که « ماضی مفرد مذکر غایب » آنها فقط از سه حرف اصلی تشکیل می شود. بیشتر فعل های عربی متوسطه اول این گونه بودند؛ مانند: خَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

گروه دوم: ثلاثی مزید؛ فعل هایی که « ماضی مفرد مذکر غایب » آنها علاوه بر سه حرف اصلی، حروف زائد دارد؛ مانند: اسْتَخْرَجَ، اعْتَرَفَ، انْقَطَعَ و تَشَكَّرَ؛ این فعل ها علاوه بر اینکه تعداد حروفشان بیشتر است، معنایشان نیز فرق دارد.

این فعل ها هشت دسته اند که به هر دسته « باب » گفته می شود.

در جدول زیر به ترتیب چهار باب ثلاثی مزید « استفعال، افتعال، انفعال و تفعل آمده است.

المصدر	الأمر	المضارع	الماضي	الآبَاب
استرجاع : پس گرفتن	استرجع : پس بگیر	يسترجع : پس می گیرد	استرجع : پس گرفت	استفعال
اشتغال : کار کردن	اشتغل : کار کن	يشتغل : کار می کند	اشتغل : کار کرد	افتعال
انفتاح : باز شدن	انفتح : باز شو	ينفتح : باز می شود	انفتح : باز شد	انفعال
انفتاح : باز شدن	تخرج : دانش آموخته شو	يتخرج : دانش آموخته می شود	تخرج : دانش آموخته شد	تفعّل

" اختبر نفسك ١ " ص ٢٨

اختبر نفسك : ترجم الأفعال الثلاثية المزيدة ، ثم عين نوع الآبَاب.

باب	مصدر	أمر	مضارع	ماضي
استفعال	استغفار : آمرزش خواستن	استغفر : آمرزش بخواه	يستغفر : آمرزش می خواهد	استغفر : آمرزش خواست
افتعال	اعتذار : پوزش خواستن	اعتذر : پوزش بخواه	يعتذر : پوزش می خواهد	اعتذر : پوزش خواست
انفعال	انقطاع : بریده شدن	انقطع : بریده شو	ينقطع : بریده می شود	انقطع : بریده شد
تفعّل	تكلم : سخن گفتن	تكلم : سخن بگو	يتكلم : سخن می گوید	تكلم : سخن گفت

" إعلموا " أفعال الألف واللام و الفعل المتعدي ص ٢٩

پیش از آشنایی با فعل لازم و متعدی با مفهوم فعل ، فاعل و مفعول آشنا شوید.

فعل ، کلمه ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته ، حال یا آینده دلالت دارد.

فاعل ، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.

مفعول ، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می آید و کار بر آن انجام می شود.

فعلی که معنای آن با فاعل کامل می شود و به مفعول نیاز ندارد ، **فعل لازم** نام دارد.

مثال : رَجَعَ جَوَادٌ : جواد برگشت.

تَجَلَسَ سَاجِدَةٌ : ساجده می نشیند.

به فعلی که معنای آن با فاعل کامل نمی شود و به مفعول نیاز دارد ، **فعل متعدی** گفته می شود.

مثال : أَرْسَلَ جَوَادٌ رِسَالَةً : جواد نامه ای را فرستاد.

يَقْطَعُ النَّجَّارُ الْخَشَبَ : نجار چوب را می بُرد.

*** **

" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۲ " ص ۲۹

*** **

﴿ اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرَجِّمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّيَّ .

۱- ﴿ اِنِّي رَاَيْتُ اَحَدًا عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَاَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِيْنَ ... ﴾ يُوْسُفَ : ۴

ترجمه : قطعاً من [در خواب] یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم ، آنها را در حال سجده بر خود دیدم .

پاسخ : رَاَيْتُ = فعل متعدی

۲- ذَهَبَتْ طَالِبَةٌ لِإِطْفَاءِ الْمَكِّيَّاتِ .

ترجمه : دانش آموز برای خاموش کردن کولر ها رفت .

پاسخ : ذَهَبَتْ = فعل لازم

۳- زَانَ اللهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمِ كَالدَّرِّ .

ترجمه : خدا آسمان را با ستاره هایی مانند مروارید ها زینت داد (آراست)

پاسخ : زَانَ = فعل متعدی

۴- تَنَمَّوْا الشَّجَرَةَ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ .

ترجمه : درخت از دانه ای کوچک رشد می کند .

پاسخ : تَنَمَّوْا = فعل لازم

۵- اشْتَرَى وَالِدٌ حَامِدًا حَاسِبًا لَهُ .

ترجمه : پدر حامد رایانه ای برایش خرید .

پاسخ : اشْتَرَى = فعل متعدی

*** **

" حَوَارٌ " ص ۳۰

*** **

في قِسْمِ الْجَوَازَاتِ
در قِسْمِ گذرنامه

شُرْطِي إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ : پلیس اداره گذرنامه	الْمَسَافِرُ الْإِيرَانِيَّ : مسافر ایرانی
أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ . من أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ ؟ خوش آمدید . شما از کدام کشور هستید؟	نَحْنُ مِنْ إِيْرَانٍ وَ مِنْ مَدِيْنَةِ زَابِلِ : ما ایرانی هستیم ، و از شهر زابلیم .
مَرْحَبًا بِكُمْ . شَرَفْتُمُونَا : خوش آمدید . مشرف فرمودید (به ما افتخار دادید)	أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي : متشکرم آقا
مَا شَاءَ اللهُ ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا ! ماشا الله ! عربی خوب صحبت می کنی !	أَحَبُّ هَذِهِ اللَّعَةِ . الْعَرَبِيَّةُ جَمِيْلَةٌ : این زبان را دوست دارم . عربی زیباست .
كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ ؟ تعداد همراهان چند نفرند؟	سِتَّةٌ : والدای و اُخْتای و اُخْوای : شش نفر : پدر و مادرم و دو خواهرم و دو برادرم .
أَهْلًا بِالضِّيَوفِ . هَلْ عِنْدَكُمْ بِطَاقَاتِ الدُّخُولِ ؟ مهمانان خوش آمدید (آمدند) . آیا کارت های ورود دارید؟ (همراهتان هست)	نَعَمْ ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مَنَا بِطَاقَتُهُ بِيَدِهِ : بله ؛ هریک از ما کارتش در دستش است .
الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْإِسَارِ لِلتَّفْتِيْشِ : مردان در سمت راست و زنان در سمت چپ جهت بازرسی	عَلَى عَيْنِي : چشم (به روی چشم)
رَجَاءٌ ؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ : لطفاً ، گذرنامه هایتان را در دستانتان قرار دهید . (دستتان بگیرید)	نَحْنُ جَاهِزُونَ : ما آماده ایم .



جواز : گذرنامه مَرْحَبًا بِكُمْ : خوش آمدید شَرَفْتُمْ : مشرف فرمودید مُرَافِقٌ : همراه
والدای و اُخْتای و اُخْوای : پدر و مادرم ، دو خواهرم و دو برادرم بِطَاقَةٌ : بلیت تَفْتِيْشٌ : بازرسی جَاهِزٌ : آماده



" التمارين ۱ " ص ۳۱



۱- التَّمْرِيْنُ الْأَوَّلُ : عَيْنَ الْجُمْلَةِ الصَّحِيْحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيْحَةِ حَسَبَ الْحَقِيْقَةِ وَ الْوَاقِعِ . v x

۱- الْمَهْرَجَانُ احْتِفَالٌ مُنَاسِبَةٌ جَمِيْلَةٌ ، كَمَهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مَهْرَجَانِ الْأَفْلَامِ . صحیح

ترجمه : جشنواره (فستیوال) ، جشنی به خاطر (برای) مناسبتی زیباست ، مثل جشنواره گلها و جشنواره فیلم ها .

۲- التَّلَاجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ . غلط

ترجمه : برف ، نوعی از انواع باریدن آب از آسمان است که فقط روی کوه ها می ریزد (پایین می آید) .

۳- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالنُّورِزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الْهَجْرِيَّةِ الشَّمْسِيَّةِ . صحیح

ترجمه : ایرانی ها در اولین روز از روزهای سال هجری شمسی نوروز را جشن می گیرند .

۴- تَعْيِشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ . صحیح

ترجمه : ماهی ها در رودخانه و دریا زندگی می کنند و انواع مختلفی دارند .

۵- الْأِعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ. غلط

ترجمه : گردباد باد شدیدی است که از مکانی به مکان دیگر حرکت نمی کند (منتقل نمی شود)

* ♦ * * ♦ *

" التمارین ۲ " ص ۳۱

* ♦ * * ♦ *

الَّتَمْرِينُ الثَّانِي : ضَعُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ . « كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ »

۱- مَكَيَّفُ الْهَوَاءِ = جِهَازٌ لِلْخِلَاصِ مِنْ حَرَارَةِ الصَّيْفِ.

ترجمه : کولر : دستگاهی برای نجات از گرمای تابستان است .

۲- الْمَشْمِشُ = فَكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً وَ غَيْرَ مُجَفَّفَةٍ ..

ترجمه : زردآلو : میوه ای است که مردم آنرا خشک شده و خشک نشده می خورند .

۳- الْمَغْلَقُ = مَا لَيْسَ مَفْتُوحًا ؛ بَلْ مَسْدُودًا.

ترجمه : بسته : آنچه که باز نیست بلکه بسته شده است .

۴- الْخَضِرَةُ : سَرَسِبْز = اِضَافِيٌّ اسْت

۵- الْأَصْفُ = يَدْرُسُ فِيهِ الطَّلَابُ.

ترجمه : کلاس : دانش آموزان در آن درس می خوانند .

* ♦ * * ♦ *

توشه ای برای موفقیت

" التمارین ۳ " ص ۳۱

* ♦ * * ♦ *

الَّتَمْرِينُ الثَّلَاثُ : عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. #

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةَ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / حُجْرَةَ / مِهْرَجَانَ / نُزُولَ / عُرْفَةَ

أَنْزَلَ # رَفَعَ (پایین آورد # بالا برد) أَصْبَحَ = صَارَ (شد = گردید) حَفَلَةَ = مِهْرَجَانَ (جشن = جشنواره)

صُعُودَ # نُزُولَ (بالا رفتن # پایین آمدن) حُجْرَةَ = عُرْفَةَ (حجره = اتاق)

" التمارین ۴ " ص ۳۲

﴿ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ ، وَ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّيَّ .

۱- النَّاسُ نِيَامٌ ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا . رَسُولُ اللَّهِ (ص) **نِيَامٌ** : خفتگان **انْتَبَهُوا** : بیدار شدند (بیدار شوند)

ترجمه : مردم (خفتگانند) خواب هستند ؛ وقتی که بمیرند بیدار می شوند .

پاسخ : فعل متعدی ندارد .

۲- شَاهِدَ النَّاسُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ .

ترجمه : مردم افتادن ماهی ها را از آسمان دیدند .

پاسخ : شاهد = فعل متعدی

۳- يَزْرَعُ الْجَاهِلُ الْعُدْوَانَ فَيَحْصُدُ الْخُسْرَانَ .

ترجمه : نادان دشمنی می کارد و ضرر و زیان درو می کند .

پاسخ : يَزْرَعُ و يَحْصُدُ = فعل متعدی

۴- ذَهَبَتْ سَمِيَّةٌ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ .

ترجمه : سمیه نزد مدیر مدرسه رفت .

پاسخ : فعل متعدی ندارد .

۵- يَرْجِعُ الطَّلَابُ مِنَ السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ .

ترجمه : دانشجویان از گردش علمی باز می گردند .

پاسخ : فعل متعدی ندارد .

" التمارین ۵ " ص ۳۳

﴿ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ : تَرْجِمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ .

﴿ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا ﴾	﴿ يَعْرِفُونَهُمْ ﴾	﴿ رَجَعُوا إِلَيْهِمْ ﴾
کسانی که ستم کردند ، خواهند دانست	آنها را می شناسند	نزد آنها بازگشتند

﴿ أَعْلَمُ مَا لَتَعْلَمُونَ ﴾	﴿ وَ لَا تَيْأَسُوا ﴾	﴿ يَقُولُونَ سَمِعْنَا ﴾
می دانم آنچه را شما نمی دانید	و ناامید نشوید	می گویند : شنیدیم
﴿ أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴾	﴿ اسْتَخْرَجَهَا ﴾	﴿ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ ﴾
بیشتر آنها شکرگزاری نمی کنند	آنها بیرون کشید	نزد پروردگارت بازگرد
﴿ ظَلَمْتُ نَفْسِي ﴾	﴿ نَجْعَلُهُمْ أُمَّةً ﴾	﴿ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ ﴾
به خودم ظلم کردم	آنها را پیشوایان قرار می دهیم	قادر به چیزی نیست (همی باشد)
﴿ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ ﴾	﴿ اغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ ﴾	﴿ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا ﴾
داخل بهشت شوید	صورت هایتان را بشوید	ما را ببامرز و بر ما رحم کن
﴿ قَالَ فَآخْرَجُ مِنْهَا ﴾	﴿ وَ أَتْرَكَ الْبَحْرَ ﴾	﴿ يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ ﴾
گفت از آن (آنجا) خارج شو	دریا را ترک کن	در زمین جستجو می کند

*** ◆ ***

*** ◆ ***

" الْبَحْثُ الْعِلْمِي " ص ۳۴

*** ◆ ***

ابحث عن قصة قصيرة باللغة العربية في الإنترنت أو مجلة أو كتاب و ترجمها إلى الفارسية، مستعيناً بمجم عربي فارسي. ترجمه : از داستانی کوتاه به زبان عربی در اینترنت یا یک مجله یا یک کتاب جستجو کن و آنرا با کمک واژه نامه عربی به فارسی ، به فارسی ترجمه کن .

منتظر ارسال پیشنهادات و انتقادات اساتید هستم (@Mohba_behruzi)

" محمد باقر بهروزی "

آذر ۹۶

رفتن به ابتدای صفحه

المُعْجَم

متن و ترجمه

" إِعْلَمُوا " الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَجْرَدُ وَالْمَزِيدُ (۲)

" حَوَارٌّ "

" اِخْتَبَرِ نَفْسَكَ "

" التمرین ۲ "

" التمرین ۱ "

" التمرین ۴ "

" التمرین ۳ "

" التمرین ۶ "

" التمرین ۵ "

" البحث العلمي "

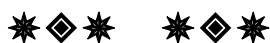
کاری از :

محمد باقر بهروزی

سال تحصیلی ۹۶-۹۷

با تشکر از اساتید کانال استاد هریسی

" متن و ترجمه " درس عربی زبان قرآن (۱) انسانی



﴿ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴾ الْأَنْبِيَاءُ : ۹۲

بی گمان این امت شماست ؛ امتی یگانه و من پروردگارتان هستم ، پس مرا پرستید.



الدَّرْسُ الرَّابِعُ : درس چهارم ص ۳۶

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ : همزیستی مسالمت آمیز

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةٌ إِلَّا لَإِسْلَامٍ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةٌ عَلَى أُسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ أَيِّ إِسَاءَةٍ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ :

قطعا رسالت (پیام) اسلام در گذر زمان ها ، بر پایه (اساس) منطق و دوری از هرگونه بدی استوار بوده است . زیرا خداوند می فرماید:

﴿ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴾ فَصَّلَتْ : ۳۴

نیکی و بدی برابر نیستند با شیوه ای (به گونه ای) که بهتر است [بدی] را دفع کن ، آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی است ، گویی دوستی صمیمی می شود .

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَنْ لَا يَسْبُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ فَهُوَ يَقُولُ : قطعاً قرآن به مسلمانان دستور می دهد که خدایان مشرکان و کافران را دشنام ندهند (ناسزا نگویند) ؛ چه آن می فرماید :

﴿ وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ ... ﴾ الْأَنْعَامُ : ۱۰۸

و کسانی را که به جای (غیر) خدا فرا می خوانند ، دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند. ...

الإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ : اسلام به دین های الهی احترام می گذارد .

﴿ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً ﴾ آل عمران : ۶۴ ؛ بگو ای اهل کتاب ، بیاید به سوی سخنی مشترک میان ما و شما و آن این که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم .

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ : ﴿ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ... ﴾ الْبَقَرَةُ : ۲۵۶

قرآن به آزادی عقیده تأکید می کند : « هیچ اجباری در دین نیست. »

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ : پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نمی باشد (نیست) ؛ زیرا کسی از آن سود نمی برد .

وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلْمِيّاً ، مَعَ احْتِفَاطِ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ ؛ وَ هَمَّةُ مَرَدَمٍ بَايَدٍ بَا يَكْدِيغِرْ هَمَّ زَيْسْتِي مَسَالَمَتِ آمِيژِ دَاشْتِه بَاشَنْد بَا حَفِظْ هَر يَكْ اَزْ آن هَا اَزْ عَقَايِدِ خُودِ .

لِأَنَّهُ ﴿ كُلِّ حِزْبٍ مِمَّا لَدَيْهِمْ ؛ فَرِحُونَ ﴾ الرَّوْمُ : ۳۲ زیرا (هر گروهی به آنچه دارند خوشحال هستند)

أَلْبَلَدُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا . كِشُورِهَايْ اِسْلَامِي مَجْمُوعه اِي اَزْ مَلْتِ هَايْ بَسِيَارِ اِسْتِ كِهْ دَرْ زَبَانِ هَا وَ رَنَگْ هَايْشَانِ فَرْقِ مِي كَنْدَنْد (متفاوت هستند)

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ؛ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ ﴾ الْحُجُرَات : ۱۳ ؛ خدای تعالی (بلند مرتبه) فرموده است : ای مردم ، ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید ؛ قطعاً گرامی ترین شما نزد خدا ، پرهیزگارترین شماست .

يَا مُرْنَا الْقُرْآنَ بِالْوَحْدَةِ . ﴿ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ... ﴾ آل عمران : ۱۰۳
قرآن ما را به وحدت و اتحاد دستور می دهد. (و همگی به ریسمان خدا چنگ بنزید و پراکنده نشوید...)

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ . وحدت امت اسلامی در شکل های بسیاری جلوه گر (نمایان) می شود ، از جمله جمع شدن (اجتماع) مسلمانان در یک مکان در حج است .
الْمُسْلِمُونَ خُمُسُ سَكَّانِ الْعَالَمِ ، يَعِيشُونَ فِي مَسَاحَةٍ وَسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصِّينِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ .
مسلمانان یک پنجم ساکنان دنیا هستند و در مساحتی بزرگ (وسیع) از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می کنند .

قَالَ الْإِمَامُ الْخَمِينِي رَحِمَهُ اللَّهُ ... : إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ إِيجَادَ التَّفْرِقَةِ بَيْنَ صُوفِ الْمُسْلِمِينَ . امام خمینی (ره) فرمود : هرگاه کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده می کند ، بدانید که او نادان است یا دانایی است که تلاش می کند بین صفوف مسلمانان تفرقه (پراکندگی) ایجاد کند .
وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِي : مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ . وَ رَهْبَرَانِ آيَةِ اللَّهِ خَامِنِهِ أَيْ كَفَتْ : هر کس از شما کسی (فردی) را دید (ببیند) که به تفرقه دعوت می گرد (فرا می خواند) ، او مزدور دشمن است .



" الْمَعْجَم " ص ۳۷



احترام : احترام گذاشت	تَعَايَشَ : همزیستی داشت « أَنْ يَتَعَايَشُوا تَعَايَشًا سَلْمِيًّا : که همزیستی مسالمت آمیز کنند »	قائد : رهبر
احتفاظ : نگاه داشتن	تَفَرَّقَ : پراکنده شد لَاتَفَرَّقُوا : پراکنده نشوید	قائم : استوار ، ایستاده
إِسَاءَةٌ : بدی کردن	جَارٌ : جایز است	سَبَّ : دشنام داد
استوی : برابر شد	حَبْلٌ : طناب « جمع : حبال »	سَكَّانٌ : ساکنان
أَشْرَكَ : شریک قرار داد	حَرِيَّةٌ : آزادی	سَلْمِيٌّ : مسالمت آمیز « سَلْمٌ : صلح »
اعتصم : چنگ زد (با دست گرفت)	حَمِيمٌ : گرم و صمیمی	سَوَاءٌ : یکسان
أَكَّدَ : تأکید کرد	خِلَافٌ : اختلاف	عَلَى مَرِّ الْعَصْرِ : در گذر زمان
أُنْثَى : زن ، ماده	خُمْسٌ : یک پنجم	عَمِيلٌ : مزدور « جمع : عَمَلَاءُ »
أَلَّا : که ن ... أَلا نَعْبُدُ : که نپرستیم (أَنْ) + لا + نَعْبُدُ)	دَعَا : فرا خواند ، دعا کرد « يَدْعُونَ : فرا می خوانند »	فَضْلٌ : برتری ، فزونی
أَيُّ إِسَاءَةٍ : هرگونه بدی ، هرگونه بی ادبی	ذَكَرٌ : مرد ، نر	لَدَى : نزد « لَدَيْهِمْ : دارند »
تَجَلَّى : جلوه گر شد	فَرِحَ : شاد	مَعَ بَعْضٍ : با همدیگر
تَعَارَفُوا : یکدیگر را شناختند « لِتَعَارَفُوا : تا یکدیگر را بشناسید »	فَرَّقَ : پراکنده ساخت	مِنْ دُونِ اللَّهِ : به جای خدا ، به غیر خدا



" حَوْلِ النَّصِّ " ص ۳۸



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. [X] [✓]

(۱) يَجُوزُ الإصرارُ عَلَى نِقَاطِ الخِلافِ وَالْعُدوانِ ، لِلدَّفْعِ عَنِ الحَقِيقَةِ . غلط

ترجمه : پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی برای دفاع از حقیقت جایز می باشد .

(۲) رِسالَةُ الإسلامِ قائِمَةٌ عَلَى أساسِ المَنطِقِ وَاجْتِنابِ الإِساءَةِ . صحیح

ترجمه : رسالت اسلام بر پایه منطق و دوری از بدی استوار است .

(۳) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايشُوا مَعَ بَعْضِهِم تَعَايشاً سَلَمِيًّا . صحیح

ترجمه : و همه مردم باید با یکدیگر هم زیستی مسالمت آمیز داشته باشند .

(۴) لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الأَخرينَ بِسَبَبِ اللُّونِ . غلط

ترجمه : برخی ملت ها بخاطر رنگ بر دیگران برتری دارند .

(۵) رُبُّ سَكَّانِ العالَمِ مِنَ المُسَلِمِينَ . غلط

ترجمه : یک چهارم ساکنان دنیا از مسلمانان هستند .



" إَعْلَمُوا " أَلْفَعْلُ الثَّلَاثِي الْمَزِيدُ (۲) ص ۳۸



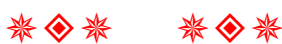
در درس گذشته با چهار باب از فعل های « ثلاثی مزید » آشنا شدیم.

با چهار باب ثلاثی مزید دیگر (تفاعل ، تفعیل ، مفاعلة و افعال) آشنا شوید.

المصدر	الأمر	المضارع	المأضي	الآبَاب
تَشَابَهٌ : همانند شدن	تَشَابَهٌ : همانند شو	يَتَشَابَهُ : همانند می شود	تَشَابَهَ : همانند شد	تفاعل
تَفْرِيحٌ : شاد کردن	فَرِحْ : شاد کن	يُفْرِحُ : شاد می کند	فَرِحَ : شاد کرد	تفعیل
مُجَالَسَةٌ : همنشینی کردن	جَالَسْ : همنشینی کن	يُجَالِسُ : همنشینی می کند	جَالَسَ : همنشینی کرد	مفاعلة
إِخْرَاجٌ : بیرون آوردن	أَخْرَجْ : بیرون بیاور	يُخْرِجُ : بیرون می آورد	أَخْرَجَ : بیرون آورد	إفعال



" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ " ص ۳۹



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرَجِمِ الأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَةَ الْمَزِيدَةَ ، وَ اكْتُبْ بِأَبْهَاءِهَا.

باب	مصدر	أمر	مضارع	ماضی
تفاعل	تَعَامَلٌ : داد و ستد کردن	تَعَامَلْ : داد و ستد کن	يَتَعَامَلُ : داد و ستد می کند	تَعَامَلَ : داد و ستد کرد
تفعیل	تَعْلِيمٌ : یاد دادن	عَلِّمْ : یاد بده	يُعَلِّمُ : یاد می دهد	عَلَّمَ : یاد داد
مفاعلة	مُكَاتَبَةٌ : نامه نگاری کردن	كَاتِبٌ : نامه نگاری کن	يُكَاتِبُ : نامه نگاری می کند	كَاتَبَ : نامه نگاری کرد
إفعال	إِدْخَالٌ : داخل کردن	أَدْخِلْ : داخل کن	يَدْخُلُ : داخل می کند	أَدْخَلَ : داخل کرد



" حواری " ص ۴۰



(في صالَة التفتيش بِالْجَمَارِكِ)

در سالن بازرسی گمرگ

شُرطي الْجَمَارِكِ : پلیس گمرگ	الزَّائِرَةُ : خانم زائر
اجلبي هذه الحقيبة إلى هنا : این چمدان را به اینجا بیاور.	على عيني ، يا أخي ، و لكن ما هي المشكلة ؟ به روی چشمم برادر ، اما مشکل چیست ؟
تفتيش بسيط : یک بازرسی ساده است.	لا بأس : عیبی ندارد.
عفواً ؛ لمن هذه الحقيبة ؟ ببخشید این چمدان مال کیست ؟	الأسرتي : برای خانواده ام است .
افتحها من فضلك : لطفاً آن را باز کن .	تفضل ، حقيبتی مفتوحة للتفتيش : بفرما چمدانم برای بازرسی باز است .
ماذا في الحقيبة ؟ در چمدان چیست ؟	فرشاة الأسنان و المعجون و المنشفة و الملابس ... : مسواک و خمیر دندان و حوله و لباس ها .
ما هذا الكتاب ؟ این کتاب چیست ؟	ليس كتاباً ؛ بل دفتر الذكريات : کتاب نیست بلکه دفتر خاطرات است .
ما هذه الحبوب ؟ این قرص ها چیست ؟	حبوب مهدئة ، عندي صداع : قرص های آرام بخش است ، من سردرد دارم .
هذه ، غير مسموحة : این غیرمجاز است (ممنوع است)	و لكن أنا بحاجة إليها جداً : اما من به آنها خیلی نیاز دارم
لا بأس : اشکالی ندارد .	شكراً : متشکرم (تشکر)
اجمعها و اذهب : آنها را جمع کن و برو .	في أمان الله : خداحافظ



ذكريات : خاطرات

من فضلك : لطفاً

جمارك : گمرگ

صالَة : سالن



" التمارین ۱ " ص ۴۱



﴿ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ : أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ النَّصِّ ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ ؟

۱- رَيْسُ الْبِلَادِ ، الَّذِي يَأْمُرُ الْمَسْؤُولِينَ وَ يَنْصَحُهُمْ لِإِدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ .

ترجمه : رئیس کشور ، کسی است که به مسؤولین دستور می دهد و آنها را برای انجام وظایفشان نصیحت می کند.

پاسخ : قائد : رهبر

۲- جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ يَعْيشُونَ فِي بِلَادٍ وَاحِدَةٍ .

ترجمه : گروهی از مردم که در یک کشور زندگی می کنند.

پاسخ : الشَّعْبُ : ملت (البته همیشه **المواطن** به معنی **هم وطن** هم گرفت که در درس دوم بکار رفته)

۳- عَرَفَ الْبَعْضُ الْبَعْضَ الْآخَرَ .

ترجمه : با یکدیگر آشنا شدند (بعضی با بعضی دیگر آشنا شدند)

پاسخ : تَعَارَفَ : با همدیگر آشنا شدند

۴- الَّذِي يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ .

ترجمه : کسی که برای مصلحت دشمن کار می کند.

پاسخ : عمیل : مزدور

۵- جُزْءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةٍ .

ترجمه : یک جزء از پنج (یک پنجم)

پاسخ : خُمْسٌ : یک پنجم



" التمارین ۲ " ص ۴۱



﴿ التَّمَرِينُ الثَّانِي : صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ . « كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ »

سَوَاءٍ / الشَّعْبُ / يَجُوزُ / قَائِمَةٌ / فَضْلٌ / لَدَيَّ / مِنْ دُونِ

۱- جَوَّالٌ تَفْرَعُ بِطَارِيئَتِهِ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ .

ترجمه : موبایلی (تلفن همراهی) دارم که در مدت نصف روز باتریش خالی می شود .

پاسخ : لَدَيَّ (دارم)

۲- زُمَلَائِي فِي الدَّرْسِ عَلَيَّ حَدٌّ

ترجمه : همکلاسی هایم (دوستانم) در درس در حدّ مساوی (برابر) هستند.

پاسخ : سَوَاءٍ (برابر ؛ مساوی ؛ یکسان)

۳- لَصَدِيقِي فِي حُسْنِ الْخُلُقِ .

ترجمه : دوستم درخوش اخلاقی برتری دارد.

پاسخ : فَضْلٌ (برتری)

۴- لَا يَقْبَلُ الْإِيرَانِيَّ أَيَّ ضَغْطٍ .

ترجمه : ملت ایران هیچ فشاری را نمی پذیرد.

پاسخ : الشَّعْبُ (ملت)

۵- لَا تَعْبُدُوا اللَّهَ أَحَدًا .

ترجمه : به غیر از خدا کسی را عبادت نکنید (کسی را به جای خدا نپرستید)

پاسخ : مِنْ دُونِ (به جای خدا ، به غیر خدا)



" التمارین ۳ " ص ۴۲



الَّتَمْرِينُ الثَّلَاثُ : تَرْجَمُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ (هَلْ تَعْلَمُ أَنْ ... : آیا می دانی که ...)

۱- الزَّرَافَةُ لِاتْنَامٍ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَاحِلٍ؟

ترجمه : زرافه در یک روز تنها کمتر از سی دقیقه در سه نوبت می خوابد؟

۲- مَقْبَرَةٌ « وَادِي السَّلَامِ » فِي النَّجْفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

ترجمه : قبرستان « وادی السلام » در نجف اشرف از بزرگترین قبرستان ها در دنیا است ؟

۳- الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَخْدَمَتْ نُقُودًا وَرَقِيَّةً ؟

ترجمه : چین اولین دولت در دنیا است که از پول های کاغذی استفاده کرد (را به کار گرفت) ؟

۴- الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقْفًا عَلَى أَقْدَامِهِ ؟

ترجمه : اسب ایستاده روی پاهایش قادر به خوابیدن است ؟

۵- أَكْثَرَ فَيْتَامِينَ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قَشْرِهِ ؟

ترجمه : بیشترین ویتامین C پرتقال در پوستش است ؟

*** ◆ ***

" التمارین ۴ " ص ۴۳

*** ◆ ***

۱- التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : تَرَجِمَ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ.

۱- قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبَيْتِ خَرِبٍ فَتَعَلَّمُوا وَ عَلِّمُوا وَ تَفَقَّهُوا وَ لَامَتُوا جَهَالًا ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذِرُ عَلَى الْجَهْلِ.

ترجمه : قلبی که در آن چیزی از حکمت نیست مانند خانه ای خراب است ، پس علم را یاد بگیرید و به دیگران یاد بدهید و آن را درک کنید (بفهمید) و نادان از دنیا نروید ، همانا خداوند برای نادانی هیچ عذری را نمی پذیرد .

پاسخ : عَلِّمُوا : فعل امر / لَا يَعْذِرُ : فعل مضارع منفي

۲- تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا لَهُ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تُعَلِّمُونَهُ.

ترجمه : علم را یاد بگیرید و آرامش و متانت را بیاموزید و در برابر کسی که از او علم می آموزید و در برابر کسی که به او علم را یاد می دهید ، فروتنی کنید .

پاسخ : تَعَلَّمُوا : فعل امر / تَوَاضَعُوا : فعل امر / تَتَعَلَّمُونَ : فعل مضارع / تُعَلِّمُونَ : فعل مضارع .

۳- مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعَطَّارِ إِنْ جَالَسْتَهُ نَفَعَكَ ، وَ إِنْ مَاشَيْتَهُ نَفَعَكَ ، وَ إِنْ شَارَكَتَهُ نَفَعَكَ .

ترجمه : مثال مؤمن همانند عطارد (عطر فروش) است ، اگر با او همنشینی کنی ، به تو سود می رساند .
و اگر با او همراهی کنی ، به تو سود می رساند و اگر با او مشارکت (همکاری کنی) ، به تو سود می رساند .

پاسخ : شَارَكَتَ : فعل ماضی

۴- لَا تَجْتَمِعُ خَصَلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ : الْبُخْلُ وَ الْكُذْبُ .

ترجمه : دو ویژگی در مومن جمع نمی شود ؛ بخل (خسیس بودن) و دروغگویی .

پاسخ : لَا تَجْتَمِعُ : فعل مضارع منفي

تَفَقَّهُوا : دانش بیاموزید إِنْ جَالَسْتَهُ : اگر با او همنشینی کنی إِنْ مَاشَيْتَهُ : اگر با او همراهی کنی

*** ◆ ***

" التمارین ۵ " ص ۳۳

*** ◆ ***

۱- التَّمْرِينُ الْخَامِسُ : تَرَجِمُ أَفْعَالَ هَذَا الْجَدْوَلِ وَ مَصَادِرَهَا.

الْمَاضِي	الْمَضَارِعُ	الْمَصَدَرُ	الْأَمْرُ
-----------	--------------	-------------	-----------

أَنْتَجَ : تولید کرد	يُنْتَجُ : تولید می کند	إِنْتَجَ : تولید کردن	أَنْتَجُ : تولید کن
شَجَعَ = تشویق کرد	يُشَجِّعُ = تشویق می کند	تَشْجِيعٌ = تشویق کردن	شَجَعٌ = تشویق کن
سَاعَدَ = کمک کرد	يُسَاعِدُ = کمک می کند	مُسَاعَدَةٌ = کمک کردن	سَاعِدٌ = کمک کن
تَسَاقَطَ = افتاد	يَتَسَاقَطُ = می افتد	تَسَاقُطٌ = افتادن	تَسَاقَطٌ = بیفت
إِسْتَخْدَمَ = به کار گرفت	يَسْتَخْدِمُ = به کار می گیرد	اسْتِخْدَامٌ = به کار گرفتن	اسْتَخْدِمُ = به کار بگیر
إِنْتَفَعَ = سود برد	يَنْتَفِعُ = سود می برد	انْتِفَاعٌ = سود بردن	انْتَفِعْ = سود ببر
تَعَلَّمَ : آموخت	يَتَعَلَّمُ : می آموزد	تَعَلَّمَ : آموختن	تَعَلَّمْ : بیاموز
انْكَسَرَ : شکسته شد	يَنْكَسِرُ : شکسته می شود	انْكَسَارٌ : شکسته شدن	انْكَسِرْ : شکسته شو



" التمارين ٦ " ص ٤٥



الْتَّمَرِينُ السَّادِسُ : تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ اكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا وَ صَيِّغَهَا . ✦ نَوْرُ السَّمَاءِ ✦

١- ﴿ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ ۗ أَلَمْ تَرَ : ٢٢ ﴾

ترجمه : و از آسمان آبی فرو فرستاد پس به وسیله آن از میوهها برای شما روزی بیرون آورد.

پاسخ : أَنْزَلَ : فعل ماضی / أَخْرَجَ : فعل ماضی

٢- ﴿ اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ أَلَمْ تَرَ : ٥٧ ﴾

ترجمه : خداوند دوستدار کسانی است که ایمان آوردند آنها را از تاریکی ها به سوی نور خارج می کند.

پاسخ : آمَنُوا : ماضی / يُخْرِجُ : مضارع

٣- ﴿ قَاصِرٍ إِنَّا وَعَدَدُ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرُ لِدُنْيِكَ ۗ غَافِرٌ : ٥٥ ﴾

ترجمه : پس صبر کن که وعده خداوند حق است و برای گناهت طلب بخشش (آمرزش) کن .

پاسخ : اصْبِرْ : امر / اسْتَغْفِرُ : امر

٤- ﴿ وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ ۗ الْإِسْرَاءُ : ١٠٥ ﴾

ترجمه : و به حق آنرا نازل کردیم و به حق نازل شد .

پاسخ : أَنْزَلْنَا : ماضی / نَزَّلَ : ماضی

٥- ﴿ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۗ أَلَمْ تَرَ : ٣٠ ﴾

ترجمه : گفت : همانا من آنچه را که شما نمی دانید می دانم .

پاسخ : قَالَ : ماضی / أَعْلَمُ : ماضی / لَا تَعْلَمُونَ : مضارع منفی

*** **

" اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيَّ " ص ۴۶

*** **

اَبْحَثْ عَنْ آيَاتِ فِي كُلِّ مِنْهَا فِعْلٌ مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ . (فِي كُلِّ آيَةٍ فِعْلٌ وَاحِدٌ)

ترجمه : در آیات (سوره هود) هر يك از اين فعل ها را جستجو كن (در هر آيه يك فعل است)

أَرْسَلْنَا . انْتَظِرُوا . اسْتَغْفِرُوا . انْبَعَثْ . تَفَرَّقْ . تَعَاوَنُوا . عَلَّمْنَا . يُجَاهِدُونَ

منتظر ارسال پیشنهادات و انتقادات اساتید هستیم (Mohba_behruzi@)

" محمد باقر بهروزی "

دی ۹۶

[رفتن به ابتدای صفحه](#)

ایران توننده

توشه ای برای موفقیت

المُعْجَم

متن و ترجمه

" إِعْلَمُوا " الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ وَالْجُمْلَةُ الْإِسْمِيَّةُ (۲)

" إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۲ "

" حَوَارٍ "

" إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۱ "

" الْتَمِرِينَ ۲ "

" الْتَمِرِينَ ۱ "

" الْتَمِرِينَ ۴ "

" الْتَمِرِينَ ۳ "

" الْتَمِرِينَ ۶ "

" الْتَمِرِينَ ۵ "

توشه ای برای موفقیت

محمد باقر بهروزی

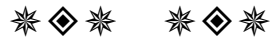
سال تحصیلی ۹۶-۹۷

با تشکر از اساتید کانال استاد هریسی

" متن و ترجمه " درس ۵ عربی زبان قرآن (۱) انسانی



﴿ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ۖ وَالْعَنكَبُوتُ : ۲۰
بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه [خداوند] آفرینش را آغاز کرد.



الدَّرْسُ الْخَامِسُ : درس پنجم ص ۴۸

﴿ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ ۖ لَقَمَان : ۱۱ : این آفرینش خداست .

الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ دَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلًا ، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ الَّتِي يَنْبَعُثُ ضَوْوُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ :
غواصانی که شبانه (در یک شب) به اعماق اقیانوس رفتند ، صدها چراغ رنگارنگ را دیدند که نورشان از ماهی های نورانی (درخشان) فرستاده می شد .

وَ تَحَوَّلَ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيءٍ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَاصُونَ الْتِقَاطَ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ . وَ تَارِيكِي دَرِيَا رَا بَه رُوزِ رُوشَنِي
تبدیل می کردند که در آن غواصان می توانستند عکس هایی را در نورهای این ماهی ها بگیرند .

اكتشف العلماء أنّ هذه الأضواء تنبعث من نوع من البكتيريا المضيئة التي تعيش تحت عيون تلك الأسماك . دانشمندان کشف
کردند که این نورها از نوعی باکتری نورانی (درخشان) فرستاده می شود که زیر چشم های آن ماهی ها زندگی می کنند.

هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ . آیا امکان دارد بشر روزی از آن معجزه دریائی استفاده کند .

وَ يَسْتَعِينُ بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ ؟ وَ از باکتری نورانی برای روشن کردن شهرها کمک بگیرد ؟ (استفاده کند)
رَبِّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ ، لِأَنَّهُ « مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَ جَدَّ . »

چه بسا بتواند آن را انجام دهد (شاید قادر به آن باشد) ؛ برای اینکه هر کس ، چیزی را بخواهد و تلاش کند ، می یابد .

إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِّي دَائِمٌ ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِعَدَدٍ تَفْرُزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا . بی گمان زبان گربه یک سلاح پزشکی (داروئی) دائمی
(همیشگی) است ، زیرا آن پر از غده هایی است که مایعی پاک کننده (ضد عفونی کننده) ترشح می کند .

فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمْ .

و گربه زخمش را چند بار می لیسد تا بهبود یابد .

إِنَّ بَعْضَ الطَّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيذَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّيِّبَةَ .

بی گمان بعضی از پرندگان و حیوانات با غریزه شان گیاهان داروئی را می شناسند .

وَ تَعَلَّمُ كَيْفَ تَسْتَعْمَلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ .

و می دانند چگونه گیاه مناسب را برای پیشگیری (جلوگیری) از بیماری های مختلف بکار ببرند (استفاده کنند)

وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّيِّبَةِ لَكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا .

و این حیوانات انسان را به خواص (خاصیت های) پزشکی بسیاری از گیاهان خشکی (صحرائی) و غیر آن ، راهنمایی کرده اند .

إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْعَجَّةِ خَاصَّةً بِهَا . بِي كَمَانٍ بِيَشْتَرِ حَيَوَانَاتٍ عِلاوَهَ بِرِ دَاسْتِنِ زَبَانِي وَيِزَّةَ خُودِ

تَمَلُّكَ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا . ، يَكُ زَبَانِ عَمُومِي دَارِنْدِ كِهَ بَا آنِ مِي تَوَانِنْدِ (سَخِن) يَكْدِيغِرَ رَا بَفَهَمِنْدِ (هَمْدِيغِرَ رَا دِرِكِ كِنِنْدِ)

فَلِلْعُرَابِ صَوْتُ يُحَدِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعًا عَنِ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ . كِلاغِ صَدَائِي دَارِدِ كِهَ بَا آنِ بَهَ سَايِرِ حَيَوَانَاتِ هِشْدَارِ مِي دِهَدِ تَا بَهَ سَرَعَتِ از مَنطِقَةِ خَطَرِ دُورِ شُونَدِ .

فَهُوَ مِمزَلَّةٍ جاسوسٍ مِنْ جَواسيسِ الْغابَةِ . وِ آنِ (او) بَهَ مَانِنْدِ جاسوسِي از جاسوسانِ جَنگَلِ اسْتِ .

(لِبَطَّةٍ غَدَّةٍ بِالْفَرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا تَحْتَوِي زَيْتًا خَاصًّا تَنْشُرُهُ عَلَي جِسْمِهَا فَلَايَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ . اَرْدَكِ غَدَّةِ اِي نَزْدِيكِ دُمَشِ دَارِدِ كِهَ حَاوِيِ دَرِبَرِدارِنْدَةُ) رُوعِنِي وَيِزَّةِ اسْتِ كِهَ آنِرا رُويِ بَدَنِشِ پَخِشِ مِي كِنْدِ دَرِ نَتِيجَهَ (بِنابرايِنِ) تَحْتِ تَأْثِيرِ آبِ قَرارِ مِي كِيَرِدِ .

تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحْرِكَ رَأْسَهَا . اَفْتابِ پَرَسْتِ مِي تَوَانِنْدِ چِشْمَانِشِ رَا دَرِ جِهَتِ هَايِ مُخْتَلَفِ بِچِرْخَانْدِ بَدُونِ آنِكِهَ سَرِشِ رَا تِكْانِ (حَرَكْتِ) دِهَدِ ،

وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتِ وَاحِدٍ .

وَ او مِي تَوَانِنْدِ دَرِ يَكِ زَمَانِ (آنِ وَاحِدِ) ، دُو جِهَتِ رَا بِيِنِنْدِ (بَهَ دُو سَمْتِ نِگَاهِ كِنْدِ) .

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ ، وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ جِهَةٍ . چِشْمِ جِغْدِ حَرَكْتِ مِي كِنْدِ ، پَسِ آنِ ثابِتِ وَ بِي حَرَكْتِ اسْتِ ، اَمَّا او اِيْنِ كَمْبُودِ (نَقْصِ) رَا بَا حَرَكْتِ دَادِنِ سَرِشِ بَهَ هَرِ طَرَفِ (دَرِ هَرِ سَمْتِي) جِبرانِ مِي كِنْدِ

وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا مِثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دُونَ أَنْ تُحْرِكَ جِسْمَهَا .

وَ مِي تَوَانِنْدِ كِهَ سَرِشِ رَا ۲۷۰ دَرَجَهَ بِچِرْخَانْدِ بَدُونِ آنِكِهَ بَدَنِشِ رَا حَرَكْتِ دِهَدِ .



" الْمُعْجَم " ص ۵۰



سائل : مایع	بوم ، بومة : جغد	ابتعد : دور شد « حَتَّى تَبْتَعِدَ : تا دور شود »
ضوء : نور « جمع : أضواء »	تأثر : تحت تأثیر قرار گرفت	اتجاه : جهت
ظلام : تاریکی	تحتوي : در بر دارد	أدار : چرخاند ، اداره کرد « أَنْ تُدِيرَ : که بچرخاند »
عوض : جبران کرد	تحرك : حرکت کرد	أَنْ تَرَى : که ببیند
قط : گربه	تنشر : پخش می کند	استفاد : بهره برد « أَنْ يَسْتَفِيدَ : که بهره برد »

إِضَافَةٌ إِلَى : افزون بر	جَرَحَ : زخم	لَعِقَ : لیسید
أَعْشَابٌ طَبِيبَةٌ : گیاهان دارویی « مفرد : عُشْبٌ طَبِيبٌ »	حَرَكٌ : حرکت داد	مَضِيَءٌ : نورانی
أَفْرَرُ : ترشح کرد	حَوَّلَ : تبدیل کرد	مَطَهَّرُ : پاک کننده
الْتَأَمَ : بهبود یافت « أَنْ يَلْتَمَ : تا بهبود یابد »	حَرَبَاءُ : آفتاب پرست	وَقَايَةٌ : پیشگیری
التِّقَاطُ صَوْرٌ : عکس گرفتن	دَلَّ : راهنمایی کرد	مَلَكٌ : مالک شد ، دارد ، فرمانروایی کرد
إِنَارَةٌ : نورانی کردن	دَوَّنَ أَنْ : بی آنکه « دَوَّنَ أَنْ تُحَرِّكَ : بی آنکه حرکت بدهد »	يَسْتَطِيعُ : می تواند
بَرِيٌّ : خشکی ، زمینی	ذَنَبٌ : دُم « جمع : أذْنَابٌ »	يَسْتَعِينُ بِ : از ... یاری می جوید
بَطٌّ ، بَطَّةٌ : اردک	زَيْتٌ : روغن « جمع : زُبُوتٌ »	يَنْبَعِثُ : فرستاده می شود
بَكْتِيرِيَا : باکتری	سَارٌ : حرکت کرد ، به راه افتاد	

♦ * * * ♦ * *
" حول النص " ص ۵۰

♦ * * * ♦ * *

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

(۱) لِلزَّرَافَةِ صَوْتُ يُحَدِّرُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَغِدَ عَنِ الْخَطَرِ. غلط

ترجمه : زرافه صدایی دارد که به حیوانات هشدار می دهد تا از خطر دور شوند .

(۲) تَحَوَّلَ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيءٍ. صحیح

ترجمه : ماهی های درخشان تاریکی دریا را به روز روشن تبدیل می کنند .

(۳) تَسْتَطِيعُ الْحَرَبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهِ وَاحِدٍ فَقَطْ . غلط

ترجمه : آفتاب پرست می تواند چشمانش را فقط در یک جهت بچرخاند .

(۴) لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مَطَهَّرًا . صحیح

ترجمه : زبان گربه پر از غده هایی است که مایعی پاک کننده ترشح می کند.

(۵) لِاتَعْيِشَ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ. غلط

ترجمه : حیواناتی آبی در اعماق اقیانوس زندگی نمی کنند .

۶) يَتَحَرَّكَ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ. غلط

ترجمه: سر جغد در یک سمت حرکت می کند.



" اِعْلَمُوا " اَلْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ وَ اَلْجُمْلَةُ الْاِسْمِيَّةُ " ص ۵۱



به جمله « يَغْفِرُ اللهُ الذُّنُوبَ » « جمله فعلیه » گفته می شود؛ زیرا با فعل شروع شده است. الگوی جمله فعلیه این است: يَغْفِرُ اللهُ الذُّنُوبَ.

فعل فاعل مفعول

دو جمله « اللهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ » و « اللهُ غَافِرُ الذُّنُوبِ » با اسم شروع شده اند. به چنین جمله هایی « جمله اسمیه » گفته می شود. الگوی جمله اسمیه این است: اللهُ يَغْفِرُ.

مبتدا خبر

به جمله « اللهُ عَالِمٌ » جمله اسمیه گفته می شود؛ زیرا با اسم شروع شده است.

مبتدا و خبر تقریباً همان نهاد و گزاره در دستور زبان فارسی اند.

مبتدا، اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله می آید و درباره آن خبری گفته می شود.

خبر، بخش دوم جمله اسمیه است و درباره مبتدا خبری می دهد.

شناخت اجزای جمله در ترجمه به ما کمک می کند.



" اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۱ " ص ۵۲



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ : عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْفَعْلِيَّةِ وَ الْجُمْلَةِ الْاِسْمِيَّةِ ، ثُمَّ اذْكَرِ الْمَحَلَّ الْاِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُكْوَنَةِ .

۱- ﴿ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ﴾ : اَلنُّورُ : ۲۴

ترجمه: خدا برای مردم مثال ها می زند.

پاسخ: يَضْرِبُ: فعل / اللهُ: فاعل / الْأَمْثَالَ: مفعول = جمله فعلیه

۲- اِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ . أمير المؤمنين علي(ع)

ترجمه: تباه کردن فرصت اندوه است.

پاسخ: اِضَاعَةُ: مبتدا / غُصَّةٌ: خبر = جمله اسمیه



منظور از « عَيْنِ الْمَحَلِّ الْاِعْرَابِيِّ » فقط تعیین نقش کلمه در جمله است؛ مانند مبتدا، خبر، فاعل، مفعول، مضاف الیه، صفت و ...



کتاب کمک درسی عربی زبان قرآن (۱) پایه " دهم انسانی " درس پنجم محمد باقر بهروزی

گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و نیز فاعل و مفعول ، صفت یا مضافٌ الیه می گیرند و خودشان موصوف و مضاف می شوند ؛ مثال :

صُدُورُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ . سینه های آزادگان گورهای رازهاست. **صُدُورُ** : سینه ها **أَحْرَارُ** : آزادگان

مبتدا / مضافٌ الیه / خبر / مضافٌ الیه

يَزْرَعُ الْقَلْحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ النَّفَاحِ . کشاورزِ کوشا درختان سیب می کارد.

فعل / فاعل / صفت / مفعول / مضافٌ الیه

" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۲ " ص ۵۲

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرَجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ.

۱- **الْحَسَدُ** يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ ، كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : حسادت نیکی ها را می خورد ، همان طور که آتش هیزم رو می خورد .

پاسخ : **الْحَسَدُ** : مبتدا / **النَّارُ** : فاعل / **الْحَطَبُ** : مفعول

۲- مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص) **قَسَمَ وَ قَسَمَ** : تقسیم کرد

ترجمه : خدا چیزی را بهتر از عقل برای بندگان تقسیم نکرده است .

پاسخ : **اللَّهُ** : فاعل / **شَيْئًا** : مفعول

۳- **مَهْرَةُ الْعِلْمِ** إِخْلَاصُ الْعَمَلِ . أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

ترجمه : میوه دانش اخلاص در عمل است .

پاسخ : **مَهْرَةُ** : مبتدا / **إِخْلَاصُ** : خبر

" حوار " ص ۵۳

(مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ)

با راننده تاکسی

السَّائِقُ : جهانگرد	سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ : راننده تاکسی
أَيُّهَا السَّائِقُ ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ . ای راننده می خواهیم که به مدائن بروییم .	أَنَا فِي خِدْمَتِكُمْ . تَفَضَّلُوا . من در خدمتان هستم بفرمایید .

<p>أُظِنَ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَثَلَاثِينَ كِيلُومِتْرًا. فِكرِ مِى كِنْم ٣٧ كِيلُومِتْرَ عَجِيبٌ؛ لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟ عَجِيبٌ اسْتِ چِرَا بَه مَدَائِنِ مِى رُويِد؟</p>	<p>كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟ از بَغْدَاد تا آنجا چقدر فاصله است؟</p>
<p>لَأَنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزَّوَارِ. زِيْرَا فَقطِ تَعْدَادِ كَمِى از زائران به مدائن می روند .</p>	<p>لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَمُشَاهَدَةِ طَاقِ كِسْرَى؛ لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟! بَرَاى زِيَارَتِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ فَارِسِي وَ دِيْدِنِ طَاقِ كِسْرَى؛ چِرَا تَعَجَّبِ مِى كَنِى؟</p>
<p>زِيَارَةُ مَقْبُولَةٍ لِجَمِيعٍ! أَتَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيِّ أَمْ لَا؟ زِيَارَتِ هَمْگِى قَبُولِ بَاشَه! آيَا مِى دَانِى سَلْمَانَ فَارِسِي كِيَه يَا نَه؟</p>	<p>فِي الْبِدَايَةِ تَشْرَفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمَدِينِ الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجْفِ وَ سَامَرَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ. اِبْتِدَا بَه زِيَارَتِ عَتَبَاتِ مَقْدَسَه دَر چَهَار شَهْرِ كَرْبَلَاءِ وَ نَجْفِ وَ سَامَرَاءِ وَ كَاظِمِيْنَ مَشْرَفِ شَدِيْمِ .</p>
<p>أَحْسَنْتَ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَن طَاقِ كِسْرَى؟ آفَرِيْنَ بَرِ تُو! وَ آيَا اِطْلَاعَاتِي دَر بَارَةُ طَاقِ كِسْرَى دَارِي؟</p>	<p>نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ وَ أَصْلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ. بَلَه او رَا مِى شَنَاسَم، او از يارانِ پيامبر (ص) اسْتِ وَ اصليْتَش اِصْفَهَانِي اسْتِ.</p>
<p>مَا شَاءَ اللهُ! مَا شَاءَ اللهُ . بَارَكَ اللهُ فِيكَ! آفَرِيْنَ بَرِ تُو . مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ! اِطْلَاعَاتِ زِيَادِ اسْتِ .</p>	<p>بِالتَّأَكِيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. الْبَتَه؛ آن يَكِي از قِصرهاى پادشاهان ساسانى قَبْلِ از اسلام اسْتِ . قَدْ أَنْشَدَ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتَيْهِمَا إِيوَانَ كِسْرَى: الْبَحْتَرِيّ مِنْ أَكْبَرِ شُعْرَاءِ الْعَرَبِ، وَ خَاقَانِيّ، الشَّاعِرُ الْإِيرَانِيّ. دُو شَاعِرِ بَزْرَگِ هَنْگَامِ مَشَاهِدَه شَانِ از ايوانِ كِسْرَى دُو قَصِيْدَه سُرُودَه اَنْد . بَحْتَرِيّ از بَزْرَگْتَرِيْنَ شَاعِرَانِ عَرَبِ؛ وَ خَاقَانِيّ شَاعِرِ اِيْرَانِيّ .</p>

بَارَكَ اللهُ فِيكَ: آفَرِيْنَ بَرِ تُو

قَدْ أَنْشَدَ: سُرُودَه اسْتِ

" التَّمَارِينُ ١ " ص ٥٤

التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ النَّصِّ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.

ترجمه: پرنده ای که در جاهای متروکه (خرابه - خالی از سکنه) زندگی می کند در روز می خوابد و در شب خارج می شود.

پاسخ : بوم : جغد

۲- عَضُوٌّ فِي جِسْمِ الْحَيَوَانِ يُحَرِّكُهُ غَالِبًا لِيَطْرِدَ الْحَشْرَاتِ.

ترجمه : عضوی در بدن حیوان که معمولاً آنرا برای راندن حشرات حرکت می دهد .

پاسخ : دَنْبٌ : دُم

۳- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءِ.

ترجمه : گیاهانی مفید برای درمان که مانند دارو از آنها استفاده می کنیم .

پاسخ : أَعْشَابٌ طَيِّبَةٌ : گیاهان دارویی

۴- طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَالْمَاءِ.

ترجمه : پرنده ای که در خشکی و آب زندگی می کند .

پاسخ : بَطٌّ : اُردک

۵- عَدَمٌ وَوُجُودِ الضُّوءِ.

ترجمه : نبودن نور

پاسخ : ظَلَامٌ : تاریکی

۶- نَشْرَ النُّورِ.

ترجمه : پخش نور

پاسخ : إِنْارَةٌ : نورانی کردن

ایران نوشته

" التمارین ۲ " ص ۵۵

توشه ای برای موفقیت

الَّتَمْرِينُ الثَّانِي : عَيْنَ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَالْمُتَضَادَّةِ. =

سَلْمٌ ≠ حَرْبٌ (صلح / جنگ)	اِسْتِطَاعَةٌ = قَدْرٌ (توانست)
اِحْسَانٌ ≠ اِسَاءَةٌ (نیکی / بدی)	اِقْتَرَبَ ≠ اِبْتَعَدَ (نزدیک شد / دور شد)
ظَلَامٌ ≠ ضِيَاءٌ (تاریکی / نور)	فَارِغٌ ≠ مَمْلُوءٌ (خالی / پر)
نُفَايَةٌ = زُبَالَةٌ (زباله)	اُغْلِقَ ≠ فَتَحَ (بست / باز کرد)
حَجْرَةٌ = عُرْفَةٌ (اتاق)	عَيْمٌ = سَحَابٌ (ابر)

قَدَفَ = رمی (انداخت ؛ پرت کرد)	قَرَبَ ≠ بَعَدَ (نزدیک شد / دور شد)
قَرِحَ ≠ حَزِين (شاد / غمگین)	مِنْ فَضْلِكَ = رَجَاءَ (لطفاً)
سَائِلٌ ≠ جَامِد (مایع / جامد)	جَاهِزٌ = حَاضِر (آماده)

" التمارین ۳ " ص ۵۶

۱- التَّمْرِینُ الثَّلَاثُ : اُكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صَوْرَةٍ فِي الْفَرَاغِ ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ .

الْبَطُّ / الْكِلَابُ / الْغُرَابُ / الطاووس / الْحِرْبَاءُ / الْبَقْرَةُ

۱- تُعْطِي الْبَقْرَةُ الْحَلِيبَ . **گاو** شیر می دهد .

الْفَاعِلُ : الْبَقْرَةُ / الْمَفْعُولُ : الْحَلِيبُ

۲- يُرْسِلُ الْغُرَابُ أَخْبَارَ الْغَابَةِ . **کلاغ** خبرهای جنگل را می فرستد .

الْفَاعِلُ : الْغُرَابُ / الْمَفْعُولُ : أَخْبَارُ / الْمُضَافُ إِلَيْهِ : الْغَابَةُ .

۳- ذَنْبُ الطاووسِ جَمِيلٌ . دم **طاووس** زیبا است .

الْمُبْتَدَأُ : ذَنْبٌ / الْمُضَافُ إِلَيْهِ : الطاووسِ / الْخَبَرُ : جَمِيلٌ .

۴- الْحِرْبَاءُ ذَاتُ عَيُونٍ مُتَحَرِّكَةٍ . **آفتاب پرست** دارای چشمانی متحرک است .

الْمُبْتَدَأُ : الْحِرْبَاءُ / الْخَبَرُ : ذَاتٌ / الْمُضَافُ إِلَيْهِ : عَيُونٍ / الْمُضَافَةُ : مُتَحَرِّكَةٍ .

۵- الشَّرْطِيُّ يَحْفَظُ الْأَمْنَ بِالْكِلابِ . پلیس امنیت را با **سگ** ها حفظ می کند .

الْمُبْتَدَأُ : الشَّرْطِيُّ / الْخَبَرُ : يَحْفَظُ / الْمَفْعُولُ : الْأَمْنَ / جَارٌ وَ مَجْرُورٌ : بِالْكِلابِ .

۶- الْبَطُّ طَائِرٌ جَمِيلٌ . **اردک** پرنده ای زیبا است .

الْمُبْتَدَأُ : الْبَطُّ / الْخَبَرُ : طَائِرٌ / الْمُضَافَةُ : جَمِيلٌ .

" التمارین ۴ " ص ۵۷

۱- التَّمْرِینُ الرَّابِعُ : عَيِّنِ الْفَاعِلَ وَ الْمَفْعُولَ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ .

۱- ﴿ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴾ الْفَتْحُ : ۲۶

ترجمه : خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و مومنان فرو فرستاد .

پاسخ : اللهُ : فاعل / سَكِينَةً : مفعول

۲- ﴿ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ﴾ الأعراف : ۱۸۸

ترجمه : من مالک سود و زیان خویش نیستم ، مگر آنچه را خدا بخواهد .

پاسخ : نَفْعًا : مفعول

۳- ﴿ وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ ﴾ یس : ۷۸

ترجمه : و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد .

پاسخ : مَثَلًا : مفعول / خَلَقَ : مفعول .

۴- ﴿ وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴾ الْكَهْف : ۴۹

ترجمه : پروردگارت به کسی ستم نمی‌کند.

پاسخ : رَبِّ : فاعل / أَحَدًا : مفعول .

۵- ﴿ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ ﴾ الْبَقَرَة : ۱۸۵

ترجمه : خدا برای شما آسانی می‌خواهد .

پاسخ : الْيُسْرَ : مفعول .

يُسْرَ : آسانی

ضَرَّ : زیان

سَكِينَةً : آرامش

ایران نوشته

" التمارین ۵ " ص ۵۷

توشه‌ای برای موفقیت

الَّتَمْرَيْنِ الْخَامِسُ : عَيْنِ الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ فِي الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

۱- أَلَنْدَمُ عَلَى السَّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ النَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ. رَسُولُ اللَّهِ

نَدَمَ : پشیمانی

ترجمه : پشیمانی بخاطر سکوت بهتر از پشیمانی بخاطر سخن گفتن است .

پاسخ : أَلَنْدَمُ : مبتدا / خَيْرٌ : خبر .

۲- أَكْبَرُ الْحُمُقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالِدَّمُّ . رَسُولُ اللَّهِ

حُمُقٌ : نادانی / دَمٌّ : نکوهش

ترجمه : بزرگترین نادانی ، زیاده روی در تعریف و نکوهش است .

پاسخ : أَكْبَرُ : مبتدا / الْإِغْرَاقُ : خبر.

۳- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ

ترجمه: بزرگ و سرور قوم، خدمتگزارشان (خدمت رسان شان) در سفر است.

پاسخ: سَيِّدٌ: مبتدا / خَادِمٌ: خبر

۴- الْعِلْمُ صَيْدٌ وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ. رَسُولُ اللَّهِ

قَيْدٌ: بند

ترجمه: دانش شکار (طعمه) است و نوشتن بند (به زنجیر کشیدن) است.

پاسخ: الْعِلْمُ: مبتدا / صَيْدٌ: خبر / الْكِتَابَةُ: مبتدا / قَيْدٌ: خبر

۵- الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. رَسُولُ اللَّهِ

ترجمه: نماز کلید هر خیری است.

پاسخ: الصَّلَاةُ: مبتدا / مِفْتَاحٌ: خبر



" التمارين ٦ " ص ٥٨



الْتَمَرِينَ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ. (مبتداً و خبر و فاعل و مفعول و مضاف إليه)

۱- ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٤٤ بر: نیکی

ترجمه: آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خودتان را فراموش می کنید؟

پاسخ: الناس: مفعول / أنفُسٌ: مفعول.

۲- ﴿لَا يَكْتَلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۸۶ نَفْسًا: کسی

ترجمه: خداوند کسی را، جز به اندازه توانش، تکلیف نمی کند.

پاسخ: الله: فاعل / نَفْسًا: مفعول.

۳- ﴿أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ﴾. رَسُولُ اللَّهِ

ترجمه: محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا، سودمندترین شان بر بندگان اوست.

پاسخ: أَحَبُّ: مبتدا / عِبَادِ: مضاف إليه / أَنْفَعُ: خبر.

۴- حَسَنُ الْأَدَبِ يَسْتَرْفِعُ النَّسَبَ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ

ترجمه: نیکویی تربیت، بدی اصل و نسب را می پوشاند.

پاسخ: الْأَدَبِ: مضاف إليه / يَسْتَرْفِعُ: مفعول.

۵- عَدَاوَةٌ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ

ترجمه: دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.

پاسخ: عَدَاوَةٌ: مبتدا / الْجَاهِلِ: مضاف إليه.

منتظر ارسال پیشنهادات و انتقادات اساتید هستیم (Mohba_behruzi@)

" محمد باقر بهروزی "

المعجم

متن و ترجمه

" إِعْلَمُوا " الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ وَالْجُمْلَةُ الْإِسْمِيَّةُ (۲)

" إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۲ "

" حَوَارٍ "

" إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۱ "

" الْتَمِرِينَ ۱ "

" إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۳ "

" الْتَمِرِينَ ۳ "

" الْتَمِرِينَ ۲ "

" الْتَمِرِينَ ۵ "

" الْتَمِرِينَ ۴ "

توشه ای برای موفقیت

محمد باقر بهروزی

سال تحصیلی ۹۶-۹۷

با تشکر از اساتید کانال استاد هریسی

" متن و ترجمه " درس ۶ عربی زبان قرآن (۱) انسانی



﴿ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ ﴾ الروم : ۴۲
بگو در زمین بگردید و بنگرید سرانجام پیشینیان چگونه بوده است.



الدَّرْسُ السَّادِسُ : درس ششم ص ۶۰

الْمَعَالِمُ الْخَلَائِبَةُ : آثار جَدَاب

إِنَّ إِيْرَانَ مِنَ الدَّوْلِ الْجَمِيْلَةِ فِي الْعَالِمِ وَ الْمَشْهُورَةِ بِالْكَثِيْرِ مِنَ الْمَنَاطِقِ الْخَلَائِبَةِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيْخِيَّةِ وَ الثَّقَافِيَّةِ.

ایران از کشورهای زیبای جهان و مشهور به بسیاری از مناطق جَدَاب و آثار تاریخی و فرهنگی است .

وَ فِيهَا صِنَاعَاتٌ يَدْوِيَّةٌ تَجْذِبُ السَّائِحِيْنَ مِنْ كُلِّ الْعَالِمِ.

و در آن صنایع دستی وجود دارد که گردشگران را از همه جهان جذب می کند.

شَهَدَتْ إِيْرَانُ فِي السَّنَوَاتِ الْأَخِيْرَةِ هُمُوًّا مَلْحُوْظًا فِي السِّيَاحَةِ .

ایران در سال های اخیر رشد قابل ملاحظه ای را در گردشگری شاهد بوده است .

فَهِيَ تَسْتَطِيْعُ أَنْ تَحْصَلَ مِنَ السِّيَاحَةِ عَلَى ثَرْوَةٍ عَظِيْمَةٍ بَعْدَ النَّقْطِ .

ایران می تواند از گردشگری ثروت عظیمی را پس از نفت به دست بیاورد .

يَرَى بَعْضُ السَّائِحِيْنَ إِيْرَانَ بَلَدًا مُمْتَازًا لِقَضَاءِ الْعُطَّلَاتِ .

برخی گردشگران ، ایران را کشوری عالی (ممتاز) برای گذراندن تعطیلات می بینند.

قَامَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو بِتَسْجِيْلِ مَدِيْنٍ وَ مَنَاطِقٍ ثَقَافِيَّةٍ وَ تَارِيْخِيَّةٍ إِيْرَانِيَّةٍ فِي قَائِمَةِ التَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ .

سازمان یونسکو به ثبت شهرها و مناطق فرهنگی و تاریخی ایران در لیست میراث جهانی اقدام کرده است .

لِأَنَّهَا تَجْذِبُ كَثِيْرًا مِنَ السَّائِحِيْنَ إِلَيْهَا.

زیرا آن (ایران) بسیاری از گردشگران را به سوی خود جذب می کند.

مِنَ الْأَثَارِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيْخِيَّةِ فِي إِيْرَانَ .

از آثار و نشانه های تاریخی ایران :

مَرْقَدُ الْإِمَامِ الرِّضَا وَ مَرْقَدُ الْفَرْدَوْسِيِّ فِي مَشْهَدِ .

مرقد امام رضا (ع) و آرامگاه فردوسی در مشهد .

وَ مَرْقَدُ السِّيْدَةِ مَعْصُومَةِ مَدِيْنَةِ قُمْ .

و مرقد بانو معصومه (ع) در شهر قم

وَ آثَارُ بَرْسَبُولِيْسٍ وَ مَقْبَرَتَا حَافِظٍ وَ سَعْدِيِّ فِي مَحَافِظَةِ فَارِسِ :

و آثار پرسپولیس و مقبره های (دو آرامگاه) حافظ و سعدی در استان فارس .

وَ « طَاقِ بَسْتَانَ » وَ « كَتِيْبَةِ بِيَسْتُونَ » فِي مَحَافِظَةِ كِرْمَانشَاهِ :

و طاق بستان و کتیبه بیستون در استان کرمانشاه .

وَ قَلْعُهُ « فَلَکَ الْاَفْلَکَ » فِي حَرَمِ اَبَاد :

و قلعه فلک الافلاک در خرم آباد .

وَ قَلْعُهُ الْوَالِي وَ غَابَاتُ الْبَلُوْطِ فِي اِيْلَام :

و قلعه والی و جنگل های بلوط در ایلام .

وَ « حَمَامٌ كَنْجَعِي خَان » فِي مَحَاظَةِ كَرْمَانَ الْمَشْهُورَةِ بِاِنْتَاجِ الْفُسْتِقِ وَ السَّجَادِ : وَ حَمَامٌ كَنْجَعِي خَان در استان کرمان مشهور به تولید پسته و قالی (فرش) .

وَ سَلَّلَاتُ شَوْشَرٍ وَ مَقْبَرَةُ النَّبِيِّ دَانِيَالٍ فِي خَوْزِسْتَانَ : وَ آبشارهای شوشتر و آرامگاه دانیال پیامبر (ع) در خوزستان .

وَ مَرَقْدُ ابْنِ سَيْنَا الْعَالِمِ الْمَشْهُورِ فِي الْعَالَمِ ، وَ كَهْفُ عَلِيٍّ صَدْرٍ وَ هُوَ مِنْ اَطْوَلِ الْكُهُوفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ فِي هَمْدَانَ :

و مرقد (آرامگاه) ابن سینا دانشمند نامدار (مشهور) در جهان و غار علی صدر از بزرگ ترین (طولانی ترین) غارهای آبی جهان در همدان .

وَ الْعِمَارَاتُ الْاَثَرِيَّةُ فِي اِصْفَهَانَ وَ قَدْ سَجَلَتْهَا مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو الدَّوْلِيَّةُ فِي قَائِمَةِ التَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ :

و ساختمان های تاریخی در اصفهان که سازمان جهانی یونسکو آن را در لیست میراث جهانی ثبت کرده است

أَمَّا الْمَحَاظَاتُ الشَّمَالِيَّةُ الْثَلَاثُ عَلَى شَاطِئِ بَحْرِ قَزْوِينَ (Caspian) فَهِيَ رَائِعَةٌ مِمَّاظَرَهَا الْجَمِيَلَةُ :

اما استان های شمالی سه گانه ، بر ساحل دریای قزوین (مازندران) به خاطر چشم اندازهای زیبایشان جالب اند.

وَ كَأَنَّهَا قِطْعَةٌ مِنْ الْجَنَّةِ فَهِيَ مُنَاسِبَةٌ لِلْبِطَاقَاتِ الْبَرِيْدِيَّةِ : وَ گویا آنها تکه ای از بهشت و مناسب برای کارت پستال ها هستند.

لَا بَدَّ مِنْ تَأْلِيْفِ كِتَابٍ عَظِيْمٍ لِإِحْصَاءِ مَنَاطِقِ الْجَذْبِ السِّيَاحِيِّ فِي إِيرَانَ ، نَذْكُرُ قِسْمًا آخَرَ مِنْهَا : برای برشمردن مناطق دارای جاذبه

گردشگری در ایران ناگزیر به نوشتن کتابی بزرگ هستیم (به ناچار باید تالیف کرد) که بخش دیگری از آنها را ذکر می کنیم .

يَزِدُ وَ حَلَوِيَّاتُهَا وَ مَنَاطِقُهَا الصَّحْرَاوِيَّةُ . يَزِدُ وَ شِيْرِيْنِي جَاتِ آن وَ مَنَاطِقُ كُوْبِرِي اَش (صحرايي اش) .

و تبریز و سوغات مشهوره بانها أكبر سوق مسقفة في العالم .

تبریز و بازار مشهورش که بزرگترین بازار سقف دار (سرپوشیده) در جهان است .

وَ بَحِيْرَةُ زَرِيْبَارِ فِي مَرْيَوَانَ ، وَ قُبَّةُ سُلْطَانِيَّةِ فِي زَنْجَانَ .

و دریاچه زریبار در مریوان ، و گنبد سلطانیه در زنجان .

وَ مَتْحَفُ التَّرَاثِ الرَّيْفِيِّ قُرْبَ رَشْتِ ، وَ آلَافُ الْمَنَاطِقِ الْاُخْرَى .

موزه میراث روستایی نزدیک رشت و هزاران منطقه دیگر .

فَتَنَوَّعَ مَعَالِمِ إِيرَانَ وَ اسْتَقْرَارَ الْوَضْعِ الْاَمْنِيِّ فِيهَا يُشْجِعُ السَّائِحِيْنَ اِلَى السَّفَرِ اِلَيْهَا لِرُؤْيَا جَمَالَ اَثَارِهَا وَ طَبِيْعَتِهَا الْخَلَابَةِ .

تنوع آثار ایران و برقراری امنیت در آن (استقرار وضعیت امن) ، گردشگران را به سفر به ایران برای دیدن زیبایی آثار و طبیعت

جذاب تشویق می کند .

توشه ای برای موفقیت

" الْمُعْجَم " ص ۶۲

قضاء العطلات : گذراندن تعطیلات	حَلَبٌ : جذاب	اَثَرِيٌّ : تاریخی
كُهْفٌ : غار « جمع : كهوف »	سَّجَادٌ : فرش	احتواء : دربرگرفتن
لَا بَدَّ مِنْ : ناگزیر	سِيَاحَةٌ : جهانگردی ، گردشگری	إِحْصَاءٌ : شمارش
مَعَالِمٌ : آثار	شَاطِئٌ : ساحل « جمع : شواطئ »	أَطْوَلُ : بلندترین
مَلْحُوظٌ : قابل ملاحظه	صَحْرَاوِيَّةٌ : کویری	بَحِيْرَةٌ : دریاچه

کتاب کمک درسی عربی زبان قرآن (۱) پایه " دهم انسانی " درس ششم محمد باقر بهروزی

رَائِعٌ : جالب	بَرِيدٌ : پست « بِطَاقَةِ بَرِيدِيَّةٍ : کارت پستال »
مَنَاطِقُ الْجَذْبِ السِّيَاحِي : مناطق دارای جاذبه جهانگردی	ثَرَاثٌ : میراث
نَظْرًا ل : نظر به	رِيفِيٌّ : روستایی
نَفْطٌ : نفت	عَطْلَةٌ : تعطیلی
وَقَعٌ : واقع شد ، اِتِّفَاقٌ اِفْتَادٌ ، اِفْتَادٌ (مضارع : يَقْعُ)	عِمَارَةٌ : ساختمان
يَدَوِيَّةٌ : دستی	فُسْتُقٌ : پسته
	حَصَلَ عَلَيَّ : به دست آورد
	قَائِمَةٌ : لیست
	حَلَوِيَّاتٌ : شیرینیجات
	قُبَّةٌ : گنبد

♦ * * * ♦ * * *
" حول النص " ص ۶۲

♦ * * * ♦ * * *

ابْحَثْ فِي نَصِّ الدَّرْسِ عَن جَوَابِ قَصِيرٍ لِهَذِهِ الْأَسْئَلَةِ.

۱) مَا اسْمُ الْكَهْفِ الَّذِي هُوَ مِنْ أَطْوَلِ الْكَهُوفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ ؟

ترجمه : اسم غاری که از طولانی ترین غارهای آبی جهان است چیست ؟

پاسخ : كهف علي صدر في همدان .

۲) مِمَّ تَسْتَطِيعُ إِيرَانَ أَنْ تَحْصَلَ عَلَيَّ ثَرَوَةٌ بَعْدَ النَّفْطِ ؟

مِمَّ = مِنْ + مَا : از چه

ترجمه : ایران بعد از نفت از چه چیزی می تواند ثروت کسب کند ؟

پاسخ : مِنَ السِّيَاحَةِ

۳) أَذْكَرُ عِمَارَةً مِنَ الْعِمَارَاتِ الْأَثَرِيَّةِ فِي مَدِينَةِ إِسْفَهَانَ.

ترجمه : بنایی از بناهای تاریخی در شهر اصفهان را بیان کن .

پاسخ : جسر خواجه

۴) أَيُّ صِنَاعَةٍ إِيرَانِيَّةٍ تَجْذِبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ ؟

ترجمه : کدام صنعت ایرانی جهانگردان را از کل جهان جذب می کند ؟

پاسخ : صِنَاعَةُ السِّيَاحَةِ

۵) أَيْنَ تَقَعُ قَلْعَةُ الْوَالِي ؟

تَقَعُ : واقع است

ترجمه : قلعه والی در کجا واقع است ؟

پاسخ : فِي إِبِلَامِ



"إِعْلَمُوا" إِعْرَابُ أَجْزَاءِ الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ وَالْفِعْلِيَّةِ " ص ۶۳



اعراب به علامت انتهای کلمه گفته می شود و از ویژگی های بارز زبان عربی است.

کلمات از نظر علامت حرف آخرشان دو نوع اند : **مُعْرَبٌ** و **مَبْنِيٌّ**

علامت حرف آخر بیشتر اسم ها با تغییر جایگاهشان در جمله ، تغییر می کند که به آنها « **مُعْرَبٌ** » گفته می شود ؛ بیشتر اسم ها **مُعْرَبٌ** اند ؛ مانند « **اللَّهِ** » در جمله های زیر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿

و اللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ ﴿ الْأَحْزَابُ : ۵۱

وَ اسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿ الْبَقَرَةُ : ۱۹۹

برخی هم با تغییر جایگاهشان در جمله ، علامت حرف آخرشان ثابت می ماند که « **مَبْنِيٌّ** » نامیده می شوند مانند ضمایر (أَنْتُمْ ، كُمْ ، ...) ؛ اسم اشاره (هَذَا ، ذَلِكَ ، ...) ؛ کلمات پرسشی (أَيْنَ ، مَنْ ، ...)

حالت های اعراب اسم : رَفَعٌ ، نَصَبٌ ، جَرٌّ

اعراب رفع و علامت آن « - ، ُ ، ٌ ، َ » ، **وَنَ** در جمع مذکر ، **اِن** در مثنی « است ؛

مانند **اَلْكَاتِبُ** ، **كَاتِبٌ** ، **اَلْكَاتِبُونَ** ، **اَلْكَاتِبَانِ**

اعراب نصب و علامت آن « - ، ِ ، ً ، َ » ، **يِن** در جمع مذکر ، **يِن** در مثنی « است ؛

مانند **اَلْكَاتِبِ** ، **كَاتِبًا** ، **اَلْكَاتِبِينَ** ، **اَلْكَاتِبَيْنِ**

اعراب جرّ و علامت آن « - ، ِ ، ً ، َ » ، **يِن** در جمع مذکر ، **يِن** در مثنی « است ؛

مانند **اَلْكَاتِبِ** ، **كَاتِبٍ** ، **اَلْكَاتِبِينَ** ، **اَلْكَاتِبَيْنِ**

کلمه دارای اعراب رفع را « **مرفوع** » ؛ دارای اعراب نصب را « **منصوب** » ؛ و دارای اعراب جر را « **مجرور** » می نامند.



"اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۱" ص ۶۴



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ : عَيْنُ اِعْرَابِ اَلْاَسْمَاءِ اَلْمُلَوَّنَةِ اَلْمَرْفُوعَةِ وَ اَلْمَنْصُوبَةِ وَ اَلْمَجْرُورَةِ.

۱- قَرَأَ **الطَّالِبُ** **المُجِدِّ قَصِيدَةً** رَائِعَةً.

ترجمه : دانش آموز کوشا قصیده جالبی خواند .

پاسخ : الطالب : فاعل و مرفوع / قصيدة : مفعول و منصوب

۲- لا تَكْتُبُ شَيْئًا عَلَى الْاَثَارِ **التَّارِيخِيَّةِ**.

ترجمه : چیزی بر روی آثار تاریخی ننویس.

پاسخ : **التَّارِيخِيَّةِ** : صفت و مجرور .

۳- رَسَمَ **الْاَوْلَادُ** صُورَةً **جَمِيلَةً** عَلَى رَمْلِ **السَّاحِلِ** .
رَمَلٌ : ماسه

مثال :

اللَّوْنُ الْأَبْيَضُ ضُ لَوْنٌ الْهُدَى دَوَى .

مبتدا و مرفوع به ضمه / صفت و مرفوع به ضمه / خبر و مرفوع به ضمه / مضاف الیه و مجرور به کسره

فَحَصَّ الطَّيِّبُ أَسْنَانَ الْوَلَدِ الصَّغِيرِ .

فعل / فاعل و مرفوع / مفعول و منصوب / مضاف الیه و مجرور / صفت و مجرور .

* ♦ * * ♦ *

" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۳ " ص ۶۶

* ♦ * * ♦ *

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : عَيْنُ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ ، ثُمَّ اذْكُرْ إِعْرَابَهُمَا .

۱- رِضَا اللَّهِ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ . رَسُولُ اللَّهِ

ترجمه : رضایت خدا در رضایت پدر و مادر است .

پاسخ : الله : مضاف الیه مجرور به کسره / الوالدين : مضاف الیه مجرور به (ی)

۲- سَكَوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ

ترجمه : سکوت زبان (موجب) سلامتی انسان است .

پاسخ : اللسان : مضاف الیه مجرور به کسره / الإنسان : مضاف الیه مجرور به کسره .

۳- يَكْذِبُ الْإِنْسَانُ الضَّعِيفُ وَ يَصْدُقُ الْإِنْسَانُ الْقَوِيُّ .

ترجمه : انسان ضعیف دروغ می گوید و انسان قوی راست می گوید .

پاسخ : الضعيف : صفت و مرفوع به ضمه / القوي : صفت و مرفوع به ضمه .

۴- اَلطَّالِبُ الْمُؤَدَّبُونَ مُحْتَرَمُونَ عِنْدَ الْمُعَلِّمِينَ .

ترجمه : دانش آموزان مودب نزد معلمان قابل احترام هستند .

پاسخ : الْمُؤَدَّبُونَ : صفت و مرفوع به (و) / الْمُعَلِّمِينَ : مضاف الیه مجرور به (ی)

۵- اَلشَّعْبُ الْعَالِمُ شَعْبٌ نَاجِحٌ .

ترجمه : ملت دانا ملتی موفق هستند .

پاسخ : الْعَالِمُ : صفت مرفوع به ضمه / نَاجِحٌ : صفت مرفوع به تنوین رفع .

" حوَّارٌ " ص ۶۷



(فِي الصَّيْدِيَّةِ)

در داروخانه

أَلْحَاجُّ : حاجی	الصَّيْدِيُّ : دارو فروش
عَفْوًا ، مَا عِنْدِي وَصَفَةٌ : ببخشید ، نسخه ای ندارم وَأُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَّةَ الْمَكْتُوبَةَ عَلَى الْوَرَقَةِ : و این داروهای نوشته شده بر روی برگ را می خواهم .	أَعْطِنِي الْوَرَقَةَ : برگ را به من دهید (بده) مِحْرَارٌ ، حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ لِلصَّدَاعِ ، حُبُوبٌ مُهْدِئَةٌ ، كَبْسُولُ أَمْبِيسِيلِينِ ، قُطْنٌ طَبِّيّ ، مَرَهْمٌ لِحَسَّاسِيَّةِ الْجِلْدِ... دماسنج ، باند (زخم) ، قرص های مُسَكِّنُ سردرد ، قرص های آرام بخش ، کپسول آمپی سیلین ، پنبه طَبِّيّ ، پماد برای حساسیت پوست لا بَأْسَ ، لَكِنَّ لَا أُعْطِيكَ أَمْبِيسِيلِينِ . هیچ عیبی ندارد (اشکالی ندارد) ، ولی آمپی سیلین به شما نمی دهم .
لِمَاذَا ، أَمَا عِنْدَكُمْ ؟ چرا ؟ آیا ندارید ؟	لَا ؛ عِنْدَنَا ، وَ لَكِنَّ بَيْعَهَا بَدُونِ وَصَفَةٍ غَيْرِ مَسْمُوحٍ . نه ، داریم ، ولی فروش آن بدون نسخه ، غیرمجاز است (مجاز نیست) .
شُكْرًا جَزِيلًا ، يَا حَضْرَةَ الصَّيْدِيِّ : خیلی ممنون ، آقای دارو فروش (دکتر)	لَمَنْ تَشْتَرِي هَذِهِ الْأَدْوِيَّةَ ؟ برای چه کسی این داروها می خرید (می خری) ؟
أَشْتَرِيهَا لِزَمَلَائِي فِي الْأَقَافِلَةِ : برای همراهانم در کاروان می خرم .	الشَّفَاءُ مِنَ اللَّهِ : درمان از جانب خداست .



مِحْرَارٌ : دماسنج

أَدْوِيَّةٌ : داروها « مفرد : دواء »

صَيْدِيٌّ : داروخانه دار

صَيْدِيَّةٌ : داروخانه

جِلْدٌ : پوست

قُطْنٌ : پنبه



" التَّمَارِينُ ۱ " ص ۶۸



۱- التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ : أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ النَّصِّ ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ ؟

۱- آتَةٌ لِلإِطْلَاعِ عَلَى دَرَجَةِ حَرَارَةِ الْجِسْمِ وَ الْجَوِّ

ترجمه : ابزاری است برای آگاه شدن از دمای بدن و هوا .

پاسخ : محرار : دماسنج

۲- يَوْمُ الْاِسْتِرَاحَةِ لِلْمُوْظَفِيْنَ وَ الْعَمَلِ وَ الطَّلَابِ .

ترجمه : روز استراحت برای کارمندان و کارگران و دانش آموزان .

پاسخ : العُطلة : تعطیلی

۳- مِنْطَقَةُ بَرِّيَّةٍ بِجِوَارِ الْبَحَارِ وَ الْمُحِيْطَاتِ.....

ترجمه : منطقه خشک کنار دریاها و اقیانوس ها .

پاسخ : شاطيء : ساحل

۴- اِدَارَةٌ لِتَسْلِيْمِ الرِّسَالِ وَ اسْتِلَامِهَا .

ترجمه : اداره ای برای تحویل دادن نامه ها و دریافت آنها .

پاسخ : البريد : اداره پست

۵- نَبَاتٌ يُعْطِي تَمْرًا اَبْيَضَ اللّوْنِ .

ترجمه : گیاهی است که ثمره سفید رنگ می دهد.

پاسخ : القُطن : پنبه

۶- مَكَانٌ لِبَيْعِ الْاَدْوِيَّةِ .

ترجمه : مکانی برای فروش دارو .

پاسخ : الصَّيْدَلِيَّةُ : داروخانه

ایران تونشنه
" التمارين ۲ " ص ۶۸
توشه ای برای موفقیت

۱- التَّمْرِيْنُ الثَّانِي : ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ . « كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ »

تُرَاتٌ / قُبَّةٌ / جِلْدِيٌّ / رَائِعَةٌ / السِّيَاحِي / الرَّيْفِ / الْحَلْوِيَّاتُ

۱- كَانَ لِصَدِيقِي مَرَضٌ فَذَهَبَ اِلَى الْمُسْتَشْفَى . كَانَ لِ : دَاشَت

ترجمه : دوستم بیماری پوستی داشت پس به بیمارستان رفت.

پاسخ : جِلْدِيٌّ

۲- قَرَأْتُ قَصِيْدَةً لِأَمِيْرِ الشُّعْرَاءِ أَحْمَدَ شَوْقِي .

ترجمه : قصیده ای جالب از ملک الشعراء احمد شوقی خواندم .

پاسخ : رائِعَةٌ

۳- جَلَسْنَا تَحْتَ شاه شَاغ فِي مَدِينَةِ شِيرَاز.

ترجمه : زیر گنبد شاه چراغ در شیراز نشستیم .

پاسخ : قُبَّة

۴- إِنَّ كُرْدِسْتَانَ مِنْ مَنَاطِقِ الْجَذَبِ فِي إِيرَانَ.

ترجمه : همانا کردستان از مناطق جذب گردشگری در ایران هست .

پاسخ : السِّيَاحِي

۵- أَلْعَيْشُ فِي جَمِيلٌ جَدًّا.

ترجمه : زندگی در روستا بسیار زیباست .

پاسخ : الرَّيْفِ

* * * * *

" التمارين ۳ " ص ۶۹

* * * * *

الَّتِي التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ : ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

۱) رَأَيْنَا مِنْ أَمْرِيكَا الْوُسْطَى فِي الْمُتَحَفِ. سَائِحَانِ سَائِحِينَ

ترجمه : دو گردشگر از آمریکای مرکزی (میان) را در موزه دیدم .

۲) سَاعَدَتِ الْمَرْأَةُ الَّتِي تَصَادَمَتْ بِالسَّيَّارَةِ . الْمَمْرُضَتَيْنِ الْمَمْرُضَتَانِ

ترجمه : دو پرستار به زنی که با ماشین تصادف کرده بود ، کمک کردند .

۳) حُزْنٌ فِي قُلُوبِهِمْ لَا فِي وُجُوهِهِمْ . الْمُؤْمِنُونَ الْمُؤْمِنِينَ

ترجمه : اندوه مؤمنان در قلب هایشان هست نه در چهره های آنها .

۴) وَقَفَا فِي بَدَايَةِ السَّاحَةِ الْأُولَى . الشَّرْطِيَّانِ الشَّرْطِيَّانِ

ترجمه : پلیس ها در ابتدای میدان اولی ایستادند .

۵) حَاضِرُونَ فِي مِهْرَجَانِ الْمَدْرَسَةِ . الْمُعَلِّمِينَ الْمُعَلِّمُونَ

ترجمه : معلم ها در جشنواره مدرسه حاضر هستند .

۶) نَزَلَ مِنْ طَائِرَاتِهِمُ الْحَرْبِيَّةِ . الطَّيَّارِينَ الطَّيَّارُونَ

ترجمه : خلبانان از هواپیماهای جنگی شان پیاده شدند .



" التمارین ۴ " ص ۶۹



۱۱ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْمُعْرَبَةَ مِنْ نَاحِيَةِ الْقَوَاعِدِ.

۱- سَعِيدٌ كَيْفَ كِتَابٍ وَرَدَةٌ

توضیح: گزینه ۱: دارای اشکال است و در این گزینه استثنا مبنی را پیدا کنید.

۲- هَذَا هَؤُلَاءِ اللَّهُ ذَلِكَ

۳- هِيَ أَنْتِ نَحْنُ صَحِيفَةٌ

۴- بَرِيدٍ أَوْلَادِكَ تِلْكَ هَذِهِ

۵- هَلْ فَسْتُقِ أَيْنَ مَتَى



" التمارین ۵ " ص ۷۰



۱۱ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ : أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

۱- هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ الْرَّحْمَنُ ۶۰

ترجمه: آیا پاداش نیکی به جز نیکی است؟

پاسخ: الإحسان: مضاف الیه و مجرور به کسره.

۲- خَيْرِ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسِ. رَسُولُ اللَّهِ

ترجمه: بهترین مردم کسی است که به مردم سود رساند.

پاسخ: الناس: مضاف الیه و مجرور به کسره / الناس: مفعول و منصوب به فتحه.

۳- أَلَدَّهْرٍ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ

ترجمه: روزگار دو روز است، روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو.

پاسخ: يومان: خبر و مرفوع به (الف)

۴- جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَ قَمَرَتُهُ الْعَمَلُ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ

ترجمه: زیبایی علم گسترش آن است و نتیجه اش (میوه اش) عمل کردن به آن است.

پاسخ : نشر : خبر و مرفوع به ضمه / ثمره : مبتدا و مرفوع به ضمه .

۶- اسْتَخْرَجَ الْفَلَّاحُونَ مَاءً مِنْ بئرِ الْقَرْيَةِ.

ترجمه : کشاورزان آبی از چاه روستا استخراج کردند .

پاسخ : الفلاحون : فاعل و مرفوع به (و) / ماء : مفعول به و منصوب به تنوین نصب.

۷- أَلْعَقْلُ السَّلِيمُ فِي الْجِسْمِ السَّلِيمِ.

ترجمه : عقل سالم در بدن سالم است .

پاسخ : السليم : صفت و مرفوع به ضمه.



منتظر ارسال پیشنهادات و انتقادات اساتید هستم (Mohba_behruzi@)

" محمد باقر بهروزی "

بهمن ۹۶

[رفتن به ابتدای صفحه](#)

ایران توننده

توشه ای برای موفقیت

المُعْجَم

متن و ترجمه

" إِعْلَمُوا " أَلْفَعْلُ الْمَجْهُولُ "

" التمرین ۱ "

" حوار "

" اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۱ "

" التمرین ۳ "

" التمرین ۲ "

" التمرین ۵ "

" التمرین ۴ "

ایران نونلله

توشه ای برای موفقیت

محمد باقر بهروزی

سال تحصیلی ۹۶-۹۷

با تشکر از اساتید کانال استاد هریسی

" متن و ترجمه " درس ۷ عربی زبان قرآن (۱) انسانی

هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا ۖ هُوَ : ٦١
او شما را از زمین پدیدآورد و خواستار آباد کردن آن از شما شد.

الدَّرْسُ السَّابِعُ : درس هفتم ص ۷۲

صِنَاعَةُ النَّفْطِ: صنعت نفت

كَيْفَ نَحْصَلُ عَلَى النَّفْطِ؟ چگونه نفت را به دست می آوریم؟

يَسْتَخْرِجُ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ بَاطِنِ الْأَرْضِ. انسان نفت را از درون زمین استخراج می کند.

و هَذَا الْإِسْتِخْرَاجُ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ يَسْتَعْرِقُ وَقْتًا طَوِيلًا ، لِأَنَّ الْحَفْرَ يَكُونُ فِي طَبَقَاتِ الصَّخُورِ.

و گاهی این استخراج وقت بسیاری می گیرد ؛ زیرا حفر در طبقات صخره هاست.

فِي إِيرَانَ ثَرَوَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ : در ایران ثروت های بسیاری درون زمین وجود دارد.

بِلَادُنَا غَنِيَّةٌ بِالنَّفْطِ وَالْغَازِ وَ هِيَ تُصَدَّرُ قِسْمًا مِنْهُمَا إِلَى الْبِلَادِ الصَّنَاعِيَّةِ.

کشور ما سرشار از نفت و گاز است و بخشی از آنها را به کشورهای صنعتی صادر می کند.

عَرَفَ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ وَ كَانَ يَجْمَعُهُ مِنْ سَطْحِ الْأَرْضِ .

انسان نفت را از دیرباز شناخته است و آن را از سطح زمین جمع می کرد.

وَ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ كَوَقُودٍ وَ لِمُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ.

و به عنوان سوخت و برای درمان بیماری های پوستی از آن استفاده می کرد.

يَحْفَرُ الْعُمَالُ بَثْرًا وَ يَضَعُونَ أَنْبُوبًا فِيهَا .

کارگران چاهی را حفر می کنند و در آن لوله ای قرار می دهند (می گذارند).

فَيَصْعَدُ النَّفْطُ بِوَسِطَةِ الْأَنْبُوبِ ، وَ يَفْتَحُ وَ يَخْلُقُ الْأَنْبُوبُ بِحَنْفِيَّاتٍ.

نفت به وسیله لوله بالا می رود . لوله با کلیدهایی باز و بسته می شود.

نَقَلَ النَّفْطَ عَبْرَ الْأَنْبُوبِ أَقْلَ خَطَرًا وَ نَقْفَةً مِنْ نَقْلِهِ بِنَاقِلَاتِ النَّفْطِ .

انتقال نفت از راه لوله ها کم خطرتر و کم هزینه تر از انتقال آن از راه نفت کش هاست .

وَ لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ بِوَسِطَةِ الْأَنْبُوبِ عَبْرَ الْمُنْحَدَرَاتِ تُسْتَعْمَدُ آلَاتٌ لِتَقْلِيلِ الضَّغْطِ حَتَّى تَبْقَى الْأَنْبُوبُ سَالِمَةً . وَ لِإِيرَانَ تَجَارِبٌ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبُوبِ .

سازی انتقال نفت به وسیله لوله ها از سرازیری ها دستگاه های کاهش فشار استفاده می شود تا لوله ها سالم بمانند.

و لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ بِوَسِطَةِ الْأَنْبُوبِ عَبْرَ الْمُنْحَدَرَاتِ تُسْتَعْمَدُ آلَاتٌ لِتَقْلِيلِ الضَّغْطِ حَتَّى تَبْقَى الْأَنْبُوبُ سَالِمَةً . وَ لِإِيرَانَ تَجَارِبٌ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبُوبِ .

ایران تجربه های بسیاری در صنعت انتقال نفت از راه لوله ها دارد.

وَ هِيَ مِنْ أَكْبَرِ الدُّوَلِ الْمُصَدِّرَةِ لِلنَّفْطِ وَ أَنْجَحِهَا فِي مَدِّ خُطُوطِ الْأَنْبَابِ وَ صِيَانَتِهَا مِنْ أَمَاكِنِ الْإِنْتَاكِ إِلَى أَمَاكِنِ الْإِسْتِهْلَاكِ.

و از بزرگ ترین کشورهای صادر کننده نفت و موفق ترین آنها در کشیدن خطوط لوله (ها) و نگهداری آنها از مکان های تولید تا مکان های مصرف است.

عَلَى امْتِدَادِ الْأَنْبَابِ تُوْجَدُ أَعْمَدَةُ اتِّصَالَاتِ كَمَحَطَاتِ إِذَارِ.

در امتداد لوله ها دکل های مخابراتی به عنوان ایستگاه های هشدار وجود دارند.

وَ لَوْحَاتٌ تَحْذِيرِيَّةٌ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ تُحَدَّرُ الْمُوَاطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ لِبِنَاءِ عِمَارَةٍ أَوْ لِلزَّرَاعَةِ .

و تابلوهای هشدار به رنگ زرد هم میهنان را از کندن زمین برای ساخت ساختمان یا کشاورزی بر حذر می دارد.

وَ يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ صِيَانَتَهُ هَذِهِ الْأَنْبَابِ وَ الْإِتِّصَالَاتِ بِالشَّرْكَةِ عِنْدَ مُشَاهَدَةِ الْخَطْرِ. وَ بِرِ هَرِ هَمِ مِيهِنِي وَاجِبِ اسْتِ كه از این لوله ها نگهداری کند و هنگام دیدن خطر با شرکت [خطوط لوله و مخابرات شرکت نفت] تماس بگیرد.

نَحْصُلُ مِنَ النَّفْطِ عَلَى مُشْتَقَّاتٍ كَثِيرَةٍ كَالْبَنْزِينِ وَ الزَّيُوتِ .

از نفت فراورده های بسیاری مانند بنزین و روغن ها به دست می آوریم.

وَ لِلنَّفْطِ اسْتِعْمَالٌ آخَرَ فِي الصَّنَاعَةِ ، فَيُصْنَعُ مِنْهُ الْمَطَّاطُ وَ الْعُطُورُ وَ الْأَدْوِيَّةُ وَ مَبِيدَاتُ الْحَشْرَاتِ ، وَ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ وَ مَعْجُونُ

الْأَسْنَانِ وَ السَّمَادُ الْكِيمَاوِيَّ وَ غَيْرَهَا. وَ نَفْتٌ دَرِ صَنْعَتِ اسْتِفَادَةُ دِيْغَرِي دَارِدُ ، از آن پلاستیک ، عطر ، دارو ، حشره کش ، مواد آرایشی ، خمیر دندان ، کود شیمیایی و غیره ساخته می شود.

كَيْفَ يَنْقَلُ النَّفْطُ وَ إِلَى أَيْنَ؟ نَفْتٌ چگونه و به کجا انتقال داده می شود؟

يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْآبَارِ أَوْ الْمَوَانِي إِلَى الْمَصَافِي عِبْرَ الْأَنْبَابِ.

نفت از چاه ها یا بندرها به پالایشگاه ها از راه لوله ها منتقل می شود.

ثُمَّ تَنْقَلُ النَّاقِلَاتُ مُشْتَقَّاتِ النَّفْطِ مِنَ الْمَصَافِي إِلَى مَحَطَّاتِ الْوَقُودِ فِي الْبِلَادِ.

سپس نفت کش ها مشتقات نفت را از پالایشگاه ها به ایستگاه های سوخت در کشور انتقال می دهند.

" الْمُعْجَم " ص ٧٤

آبار : چاه ها « مفرد : بئر »	تَحْذِيرِيَّةٌ : هشدار آمیز	مَطَّاطٌ : پلاستیک ، کائوچو
اتِّصَالَاتٌ : مخابرات	حَصَلَ عَلَى : به دست آورد	مَنْحَدَرٌ : سرازیری
اسْتَعْمَرَ : خواستار آباد کردن شد	سَمَادٌ : کود	مَوَادِّ التَّجْمِيلِ : مواد آرایشی
اسْتَغْرَقَ وَقْتًا طَوِيلًا : وقتی طولانی گرفت	صَدَّرَ : صادر کرد	مَوَانِي : بندرها « مفرد : میناء »
استهلاك : مصرف	صَخُورٌ : صخره ها	نَاَقِلَاتُ النَّفْطِ : نفتکش ها

وَقُودٌ : سوخت (مواد سوختی)	صِيَانَةٌ : نگهداری، تعمیر	أَقْلَّ خَطَرًا : کم خطرتر ، کم خطرترین
يَجِبُ : واجب است ، باید	غاز : گاز	أَنْبُوبٌ : لوله « جمع : أنابيب »
يَضَعُونَ : قرار می دهند	مُبِيدَةُ الْحَشْرَاتِ : حشره کش	أَنْجَحَ : موفق تر، موفق ترین
وَضَعَ : قرار داد / یَضَعُ : قرار می دهد	مَحَطَّةٌ : ایستگاه	إِنْذَارٌ : هشدار
يُفْتَحُ : باز می شود	مَدَّ خُطُوطَ الْأَنْبِيبِ : کشیدن خطوط لوله	أَنْشَأَ : پدید آورد ، آفرید
يُغْلَقُ : بسته می شود	مَصَافِي : پالایشگاه ها « مفرد : مَصْفَى »	بِلْدَانٌ : کشورها « مفرد : بَلَدٌ »
يُنْقَلُ : منتقل می شود	مَصْدَرَةٌ : صادر کننده	بِنَاءٌ : ساختن ، ساختمان



" حول النص " ص ۷۴



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأُ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. ✓ x

(۱) لِبِلَادِنَا تَجَارِبٌ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبِيبِ. صحیح

ترجمه : کشورمان تجربه های زیادی در صنعت انتقال نفت از طریق لوله ها دارد .

(۲) يَسْتَفِيدُ الْإِنْسَانُ مِنَ النَّفْطِ فِي صِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ. صحیح

ترجمه : انسان از نفت در صنعت لوازم آرایشی استفاده می کند .

(۳) عَلَى امْتِدَادِ الْأَنْبِيبِ لَا تُوجَدُ أَعْمَدَةٌ اتِّصَالِ . غلط

ترجمه : در امتداد لوله ها دکل های مخابرات یافت نمی شود .

(۴) يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْبُئْرِ إِلَى مِينَاءِ التَّصْدِيرِ. غلط

ترجمه : نفت از چاه به بندر صادراتی انتقال داده می شود .

(۵) نَقَلَ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبِيبِ أَكْثَرَ خَطَرًا. غلط

ترجمه : انتقال نفت از طریق لوله ها پرخطر تر است .



" إِعْلَمُوا " أَلْفَعْلُ الْمَجْهُولُ " ص ۷۵



در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل از مشتقات مصدر « شدن » استفاده می شود؛ مثال:

زده شد می زند : زده می شود دید : دیده شد می بیند : دیده می شود

در جمله دارای فعل معلوم ، فاعل معلوم است ؛ ولی در جمله دارای فعل مجهول ، فاعل ناشناس می باشد ؛ یعنی حذف شده است.

در جمله « نگهبان در را گشود .» می دانیم فاعل نگهبان است؛

ولی در جمله « در گشوده شد. » فاعل نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

(عَسَلَ : شُست عَسَلَ : شسته شد خَلَقَ : آفرید خَلَقَ : آفریده شد)

(يَعَسَلُ : می شوید يَغَسَلُ : شسته می شود يَخْلُقُ : می آفریند يَخْلُقُ : آفریده می شود)

در دستور زبان عربی هنگام مجهول شدن فعل حرکت های آن تغییر می کند.

کَتَبَ : نوشت	كُتِبَ : نوشته شد	يَكْتُبُ : می نویسد	يَكْتُبُ : نوشته می شود
ضَرَبَ : زد	ضُرِبَ : زده شد	يَضْرِبُ : می زند	يَضْرِبُ : زده می شود
عَرَفَ : شناساند	عُرِفَ : شناسانده شد	يَعْرِفُ : می شناساند	يَعْرِفُ : شناسانده می شود
أَنْزَلَ : فرو فرستاد	أُنْزِلَ : فرو فرستاده شد	يُنْزِلُ : فرو می فرستد	يُنْزِلُ : فرو فرستاده می شود
اسْتَخْدَمَ : به کار گرفت	اسْتُخْدِمَ : به کار گرفته شد	يَسْتَخْدِمُ : به کار می گیرد	يَسْتَخْدِمُ : به کار گرفته می شود

فرق فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال های بالا بیابید.

بعد از فعل مجهول « نایب فاعل » می آید. نایب فاعل مانند فاعل مرفوع است؛ مثال:

توجه : نایب فاعل همانند فاعل فقط به صورت یک اسم ظاهر در کتاب تدریس شده است.

﴿ ... سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيَسْأَلُونَكَ أَلزَّخْرَفِ ۱۹ ﴾ ... گواهی آنها نوشته خواهد شد و [از آن] پرسیده خواهند شد.

نایب فاعل و مرفوع

﴿ يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ ﴾ الرَّحْمَنِ: ۵۵ تبهکاران از چهره شان شناخته می شوند.

نایب فاعل و مرفوع به واو

يُفْتَحُ بَابُ صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ لِلطَّلَابِ. در سالن امتحان برای دانش آموزان گشوده می شود.

نایب فاعل و مرفوع



" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۱ " ص ۷۷



﴿ اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : اَكْمَلْ تَرْجَمَةَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ ، ثُمَّ أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةَ. اَكْمَلْ : کامل کن

۱- ﴿ شَهْرٌ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ﴾ الْبَقَرَةَ : ۱۸۵

ترجمه : ماه رمضان که در آن قرآن نازل شد.

پاسخ : شَهْرٌ : مبتدا مرفوع / الْقُرْآنُ : نائب فاعل مرفوع

۲- ﴿ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ ﴾ الْأَعْرَافِ : ۲۰۴ اَسْتَمِعُوا : گوش فرا دهید

ترجمه : و هنگامی که قرآن خوانده شود به آن گوش فرا دارید .

پاسخ : الْقُرْآنُ : نائب فاعل مرفوع

۳- تَعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِأَصْدَادِهَا.

ترجمه : چیزها با کمک متضاد هایشان شناخته می شوند .

پاسخ : الْأَشْيَاءُ : نائب فاعل مرفوع

۴- أَعْلَقَ السَّائِقُ بَابَ حَافِلَةِ الْمَدْرَسَةِ.

ترجمه : راننده در اتوبوس مدرسه را بست .

پاسخ : السَّائِقُ : فاعل مرفوع / بَابَ : مفعول منصوب / الْمَدْرَسَةِ : مضاف اليه مجرور .

۵- طَبَخَتْ وَالِدَةُ سَعِيدٍ طَعَامًا لَذِيذًا.

ترجمه : مادر سعید خوراک خوشمزه ای را پخت .

پاسخ : وَالِدَةُ : فاعل مرفوع / سَعِيدٍ : مضاف اليه مجرور / طَعَامًا : مفعول منصوب .



" حواری " ص ۷۸



(مَعَ مَسْئُولِ اسْتِقْبَالِ الْفُنْدُقِ)

با مسوول پذیرش هتل

السَّائِحُ : جهانگرد	مَسْئُولُ الْاسْتِقْبَالِ : مسوول پذیرش
رَجَاءٌ ، أُعْطِنِي مِفْتَاحَ عُرْفَتِي : لطفاً کلید اتاقم را به من بده .	مَا هُوَ رَقْمُ عُرْفَتِكَ ؟ شماره اتاق چند است ؟
مِئْتَانِ وَ عِشْرُونَ : دویست و بیست .	تَفَضَّلْ : بفرما
عَفْوًا ، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ عُرْفَتِي : ببخشید این کلید اتاق من نیست .	أَعْتَذِرُ مِنْكَ ؛ أُعْطِيتُكَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِينَ : از شما پوزش می خواهم . سید و سی را به شما دادم .
لَا بَأْسَ ، يَا حَبِيبِي : دوست من مشکلی نیست .	مِنَ السَّادَةِ صَبَاحًا إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ ؛ ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي . از شش صبح تا دو بعد از ظهر . سپس دوستم پس از من می آید .
مَتَى مَوَاعِدُ الْفُطُورِ وَ الْعَدَاءِ وَ الْعِشَاءِ ؟ وقت های صبحانه و ناهار و شام کی هست ؟	الْفُطُورُ مِنَ السَّاعَةِ وَ النِّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا ؛ صبحانه از هفت و نیم تا هشت و چهل و پنج دقیقه (یک ربع به نه) الْعَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرَّبْعِ ؛ ناهار از دوازده تا دو و ربع . الْعِشَاءُ مِنَ السَّاعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا . شام از هفت تا هشت و چهل و پنج دقیقه (یک ربع به نه)
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْفُطُورِ ؟ وَ خوراک صبحانه چیست ؟	شَاي وَ حُبْزٌ وَ جَبْنَةٌ وَ زُبْدَةٌ وَ حَلِيبٌ وَ مَرَبِي الْمَشْمِشِ . چای و نان و پنیر و کره و شیر و مربای زردآلو .
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعَدَاءِ ؟ وَ غذای ناهار چیست ؟	رِزٌّ مَعَ دَجَاجٍ : پلو با مرغ .
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ ؟ وَ غذای شام چیست ؟	رِزٌّ مَعَ مَرَقِ بَادَنْجَانٍ : پلو با خورشید بادمجان .
أَشْكُرُكَ : سپاسگزارم .	لَا شُكْرَ عَلَى الْوَجِبِ : تشکر لازم نیست (وظیفه بود) .



مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ : مسئول پذیرش	أَعْطِنِي : به من بده	دَوَامٌ : ساعت کار	مَوَاعِدٌ : وقت ها
جَبْنَةٌ : پنیر	دَجَاجٌ : مرغ	مَرَقٌ : خورش	زُبْدَةٌ : گره



" التمارين ۱ " ص ۷۹



۱- التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ : أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ النَّصِّ ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ ؟

۱- مَكَانٌ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ تَشَاهَدُ السَّفْنَ إِلَى جَنْبِهِ . سَفْنٌ : کشتی ها

ترجمه : مکانی بر ساحل دریا که کشتی ها کنارش دیده می شوند.

پاسخ : میناء : بندر

۲- حُفْرَةٌ عَمِيقَةٌ يُسْتَخْرَجُ الْمَاءُ أَوْ النَّفْطُ مِنْهَا .

ترجمه : گودالی عمیق که آب یا نفت از آن استخراج می شود .

پاسخ : بئر : چاه

۳- مَادَّةٌ كَالْبَنْزِينِ وَ النَّفْطِ وَ الْغَازِ .

ترجمه : ماده ای مانند بنزین و نفت و گاز .

پاسخ : وَقُودٌ : سوخت

۴- الْأِسْتِعْمَالُ وَ الْإِسْتِفَادَةُ .

ترجمه : به کار بردن و استفاده کردن .

پاسخ : اسْتِهْلَاكٌ : مصرف

۵- الْحِفَاظُ عَلَى الْأَشْيَاءِ .

ترجمه : نگهداری اشياء .

پاسخ : صِيَانَةٌ : نگهداری ، تعمیر



" التمارين ۲ " ص ۷۸



﴿ التَّمْرِينُ الثَّانِي : ضَعَّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ . « ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ زَائِدَةٌ »
 اسْتِهْلَاكٍ / سَمَادٌ / سَائِلٌ / تَنْقُلُ / تَسْتَعْرِقُ / سَفُنٌ / الْمَحَطَّةِ

۱- وَقَفَّتِ الْحَافِلَةُ فِي حَتَّى يَذْهَبَ الْمُسَافِرُونَ إِلَى دَوْرَاتِ الْمِيَاهِ.

ترجمه: اتوبوس در ایستگاه توقف کرد تا مسافران به سرویس های بهداشتی بروند.

پاسخ: الْمَحَطَّةِ : ایستگاه

۲- كَمَ سَاعَةً السَّفَرُ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ؟

ترجمه: سفر از مکه به مدینه منوره چند ساعت وقت می گیرد؟

پاسخ: تَسْتَعْرِقُ : وقت می گیرد

۳- السِّيَّارَةُ أَخْشَابًا مِنَ الْغَابَةِ إِلَى مَصْنَعِ الْوَرَقِ.

ترجمه: اتومبیل چوب هایی را از جنگل به کارخانه کاغذ منتقل می کند.

پاسخ: تَنْقُلُ : منتقل می کند

۴- صُنِعَ جِهَازٌ لِتَقْلِيلِ الْكَهْرَبَاءِ فِي الْحَاسِبِ.

ترجمه: دستگاهی برای کاهش مصرف برق در رایانه ساخته شد.

پاسخ: اسْتِهْلَاكٍ : مصرف

۵- الْنَّفْطُ أَسْوَدَ تُصْنَعُ أَشْيَاءٌ كَثِيرَةٌ مِنْهُ.

ترجمه: نفت مایعی سیاه است که چیزهای زیادی از آن ساخته می شود.

پاسخ: سَائِلٌ : مایع

ایران، توشه

توشه ای برای موفقیت

" التمارین ۳ " ص ۸۰

﴿ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ : ضَعَّ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا .

(۱) اللَّوْحَاتُ التَّحْذِيرِيَّةُ الْمَوَاطِنِ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ . يُحَدِّرُ تَحَدَّرُ

ترجمه: تابلوهای هشدار آمیز به هموطنان از کندن زمین هشدار می دهد.

(۲) صَدِيقِي صُورَةً خَلَابَةً عَلَى جِدَارِ الْمَدْرَسَةِ . يَرْسُمُ يَرَسُمُ

ترجمه: دوستم عکس جذابی روی دیوار مدرسه می کشد.

(۳) صَوْتُ قَوِيٍّ مِنْ بَعِيدٍ ، فَخَافَ الْجَمِيعُ . سَمِعَ سَمِعَ

ترجمه : صدایی قوی از دور شنیده شد ، پس همه ترسیدند .

۴) النَّفْطُ عَبْرَ النَّاقِلَاتِ إِلَى الْمَصَافِي. يَنْقُلُ يَنْقُلُ

ترجمه : نفت از طریق (به وسیله) نفت کش ها به پالایشگاه ها منتقل می شود .

۵) الطَّبَاخُ طَعَامًا طَيِّبًا فِي الْمَطْعَمِ. يَطْبُخُ يَطْبَخُ

ترجمه : آشپز غذای خوبی در آشپزخانه (رستوران) می پزد .

۶) حَلَوِيَّاتٌ لَذِيذَةٌ فِي مَدِينَةِ يَزْدَ. تُصْنَعُ يَصْنَعُ

ترجمه : شیرینی جات خوشمزه ای در شهر یزد درست می شود .



" التمارين ۴ " ص ۸۰



الْتَّمَرِينَ الرَّابِعَ : اُكْتُبْ مُفْرَدًا الْأَسْمَاءَ التَّالِيَةَ ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمِ الدَّرْسِ.

آبَارٍ : بئر (چاه)

صُخُورٍ : صخرة (سنگ)

مَصَافِي : مَصْفَى (پالایشگاه)

أَدْوِيَّةٍ : دَوَاءٍ (دارو)

خُطُوطٍ : خَطٍّ (خط)

مَوَاعِدٍ : مَوْعِدٍ (وقت)

مَوَانِي : مِينَاءٍ (بندر)

سُفُنٍ : سَفِينَةٍ (کشتی)

مَوَادِّ : مَادَّةٍ (ماده)

دَوْلٍ : دَوْلَةٍ (کشور)

أَنْبَابٍ : أَنْبُوبٍ (لوله)

بُلْدَانٍ : بَلَدٍ (کشور)

توشه ای برای موفقیت

" التمارين ۵ " ص ۸۱



الْتَّمَرِينَ الْخَامِسُ : عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لِاتْنَسَابِ الْكَلِمَاتِ الْآخَرَى فِي الْمَعْنَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

۱- وَقُودٌ : سوخت غاز : گاز نَفْطٌ : نفت حَرْبٌ : جنگ

دلیل : سه گزینه دیگر دلالت بر سوخت و مواد سوختی دارند .

۲- نَاقِلَةٌ : نفتکش ثَامِنَةٌ : هشتم طَائِرَةٌ : هواپیما حَافِلَةٌ : اتوبوس

دلیل : سه گزینه دیگر بر یک نوع وسیله نقلیه دلالت می کنند.

۳- ✓ سَمَاد : کود مَحَطَّة : ایستگاه سَاحَة : میدان مَطَار : فرودگاه

دلیل : سه گزینه دیگر بر جا و مکان دلالت دارند.

۴- زُبْدَة : کره جُبَّة : پنیر ✓ تَقَاعِد : بازنشستگی حَلِيب : شیر

دلیل : سه گزینه دیگر بر محصولات لبنی دلالت می کنند .

۵- دَجَاة : مرغ حَمَامَة : کبوتر بَوْمَة : جغد ✓ نَفَقَة : هزینہ

دلیل : سه گزینه دیگر بر طیور دلالت می کنند .

۶- أَحْمَر : قرمز ✓ أَحْسَن : نیکوتر أَرْق : آبی أَصْفَر : زرد

دلیل : سه گزینه دیگر دلالت بر رنگ دارند .



" أَلْبَحْتُ الْعِلْمِيَّ " ص ۸۲



اُكْتُبْ آيَةً أَوْ حَدِيثًا أَوْ شِعْرًا أَوْ كَلِمًا جَمِيلًا مُرْتَبِطًا بِمَفْهُومِ الدَّرْسِ. (لِلإِشَارَةِ إِلَى النِّعَمِ الْإِلَهِيَّةِ)

ترجمه : آیه یا حدیث یا شعر یا سخنی زیبا مرتبط با مفهوم درس را (اشاره به نعمت های الهی) بنویس .

ایران توننده

منتظر ارسال پیشنهادات و انتقادات اساتید هستم (Mohba_behruzi@)

" محمد باقر بهروزی "

اسفند ۹۶

رفتن به ابتدای صفحه

المعجم

متن و ترجمه

" اعلموا " الجارّ و المجرور "

" نون الوقاية "

" اختبر نفسك ۲ "

" اختبر نفسك ۱ "

" التمرین ۱ "

" حوار "

" اختبر نفسك ۳ "

" التمرین ۳ "

" التمرین ۲ "

" التمرین ۵ "

" التمرین ۴ "

" البحث العلمي "

" التمرین السادس ۶ "

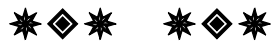
توشه ای کاری از : موفقیت

محمد باقر بهروزی

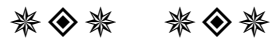
سال تحصیلی ۹۶-۹۷

با تشکر از اساتید کانال استاد هریسی

" متن و ترجمه " درس ۸ عربی زبان قرآن (۱) انسانی



أَنْتَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَظَمْتِكَ ، وَ فِي الْأَرْضِ قُدْرَتِكَ ، وَ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُكَ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ص)
تو کسی هستی که بزرگی ات در آسمان و توانمندی ات در زمین و شگفتی هایت در دریاهاست.



الدَّرْسُ الثَّامِنُ : درس هشتم ص ۸۴

يا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ : ای آنکه شگفتی هایش در دریاهاست.

مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ : از دعای جوشن کبیر

يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَائِعًا عَنِ الدَّلْفِينِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْغَرَقِ ، وَ أَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ .

اعضای خانواده فیلم جالبی را از دلفین می بینند که انسانی را از غرق شدن نجات داده و او را به ساحل رسانده است.

حَامِدٌ : لَا أَصَدِّقُ ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ . يُحِيرُنِي جِدًّا .

حامد : باور نمی کنم ، این موضوعی (قضیه ای) عجیب است . خیلی مرا شگفت زده می کند .

الْأَبُ : يَا وَكَلَدِي ، لَيْسَ عَجِيبًا ، لِأَنَّ الدَّلْفِينَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ .

پدر: ای پسرم ، عجیب نیست ، زیرا دلفین دوست انسان در دریاهاست .

صَادِقٌ : تَصَدِّقُهُ صَعْبٌ ! يَا أَبِي ، عَرَّفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ .

صادق : باورش سخت است! ای پدر(م) ، ما را با این دوست آشنا کن .

الْأَبُ : لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ ،

پدر : او حافظه ای قوی دارد ، و شنوایی اش ده برابر (مرتبه) از شنوایی انسان برتر (فراتر) است .

و وَزْنُهُ يَبْلُغُ ضِعْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيْبًا ،

و وزنش حدوداً (تقریباً) به دو برابر وزن انسان می رسد .

وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تَرْضَعُ صِغَارَهَا .

و او از حیوانات پستانداری است که به بچه هایش (کودکانش) شیر می دهد .

نورا : إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِّيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

نورا : او حیوان باهوشی است که کمک کردن به انسان را دوست دارد ! آیا این طور نیست؟

الْأَبُ : نَعَمْ ؛ بِالتَّأَكِيدِ ، تَسْتَطِيعُ الدَّلْفِينُ أَنْ تَرُشِدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ مَكَانِ غَرَقِ سَفِينَةٍ .

پدر: بله ، قطعاً ، دلفین ها می توانند که ما را به محل سقوط هواپیما یا مکان غرق شدن یک کشتی راهنمایی کنند .

الْأُمُّ : تُؤَدِّي الدَّلَافِينَ دَوْرًا مِهْمًا فِي الْحَرْبِ وَالسَّلْمِ ، وَتَكْشِفُ مَا تَحْتِ الْمَاءِ مِنْ عَجَائِبَ وَ أَسْرَارٍ : مادر : دلفین ها نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می کنند ، و آنچه را در زیر آب از شگفتی ها و رازها وجود دارد کشف می کنند.
و تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسْمَاكِ .

و به انسان در کشف (یافتن) مکان های جمع شدن ماهی ها کمک می کنند.

صَادِقٌ : رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً ؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعًا ؟

صادق : دلفین ها را دیدم که حرکت هایی گروهی انجام می دهند ؛ پس آیا با هم حرف می زنند؟

الْأُمُّ : نَعَمْ ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّهَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ ،

مادر : بله ؛ در یک دانشنامه (دایرة المعارف) علمی خواندم که دانشمندان تاکید می کنند که آنها (دلفین ها) می توانند با به کارگیری صداهایی مشخص صحبت کنند .

و أَنَّهَا تُعْزِي كَالطَّيُورِ ، وَ تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ ، وَ تَصْفُرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ . و اینکه آنها مانند پرندگان آواز می خوانند ، و همچون بچه ها (کودکان) گریه می کنند ، و مثل انسان سوت می زنند و می خندند.

نورا : هَلْ لِلدَّلَافِينَ أَعْدَاءٌ ؟

نورا : آیا دلفین ها دشمنانی (هم) دارند؟

الْأَبُ : بِالتَّأَكُّيدِ ، تَحْسَبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَ الْقَرْشِ عَدُوًّا لَهَا ،

پدر: قطعاً، دلفین ها کوسه ماهی را برای خود یک دشمن به حساب می آورند .

فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا عَلَى سَمَكَةِ الْقَرْشِ ، تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا ، وَ تَضْرِبُهَا بِأُتُوفِهَا الْحَادَّةِ وَ تَقْتُلُهَا : پس هرگاه نگاهشان به کوسه ماهی بیافتد ، به سرعت اطرافش جمع می شوند ، و با بینی های تیزشان او را می زنند و می کُشدند.

نورا : وَ هَلْ يُحِبُّ الدَّلَفِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا ؟

نورا : و آیا واقعاً دلفین انسان را دوست دارد؟

الْأَبُ : نَعَمْ ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبْرَ فِي الْإِنْتَرْنِتِ ... سَحَبَ تِيَارُ الْمَاءِ رَجُلًا إِلَى الْأَعْمَاقِ بِشِدَّةٍ ،

پدر : بله ، بیا این خبر را در اینترنت بخوانیم ... جریان آب به شدت مردی را به اعماق (دریا) کشید.

وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ : رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ .

و مرد بعد از نجاتش گفت : ناگهان چیزی مرا با قدرت به سمت بالا برد ، سپس مرا به ساحل بُرد (کشاند)

وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي ، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا .

و هنگامی که خواستم (تصمیم گرفتم) از نجات دهنده ام تشکر کنم ، کسی را نیافتم .

وَ لَكِنِّي رَأَيْتُ دَلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ .

اما دلفینی بزرگ را دیدم که کنارم (در نزدیکی من) در آب با خوشحالی می پرید.

الْأُمُّ : إِنَّ الْبَحْرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةً عَظِيمَةً مِنْ اللَّهِ .

مادر: به راستی دریا و ماهی ها نعمتی بزرگ از جانب خداوند هستند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : رَسُولُ خِدا (ص) فرمود:

الْنَّظْرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةً : نگاه کردن به سه چیز عبادت است :

الْنَّظْرُ فِي الْمُصْحَفِ : نگاه به قرآن کریم

وَ النَّظْرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ : و نگاه به چهره (صورت) پدر و مادر

وَ النَّظْرُ فِي الْبَحْرِ : و نگاه به دریا.



" الْمُعْجَم " ص ۸۶



عَرَفَ : معرفی کرد	تَجَمَّعَ : جمع شد	أَدَّى : ایفا کرد، منجر شد
عَزَمَ : تصمیم گرفت	جَمَاعِي : گروهی	أَرْشَدَ : راهنمایی کرد
عَنَّى : آواز خواند	حَادَّ : تیز	أَرْضَعَ : شیر داد
قَفَزَ : پرید ، جهید	دَوَّرَ : نقش	أَعْلَى : بالا ، بالاتر
لَبَوَّئَةَ : پستاندار	ذَاكِرَةٌ : حافظه	أُنُوفَ : بینی ها « مفرد : أنف »
كَذَلِكَ : همین طور	سَمَكُ الْقَرَشِ : کوسه ماهی	أَوْصَلَ : رسانید
مَنْقَذَ : نجات دهنده	صَفَرَ : سوت زد	بِحَارَ : دریاها « مفرد : بحر »
مَوْسُوَّةَ : دانشنامه	ضَعَفَ : برابر در مقدار « ضِعْفَيْنِ : دو برابر »	بَغَى : گریه کرد
	طُيُورَ : پرندگان « مفرد : طير »	بَلَغَ : رسید



" حول النص " ص ۸۶



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأُ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ . ✓ x

(۱) الدَّلْفَيْنِ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبَوَّئَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا. صحیح

ترجمه: دلفین از حیوانات پستانداری است که به کودکش شیر می دهد .

(۲) يُؤَدِّي سَمَكُ الْقَرَشِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ. غلط

ترجمه : کوسه ماهی نقش مهمی را در جنگ و صلح ایفا می کند .

(۳) سَمِعَ الْإِنْسَانَ يَفُوقُ سَمْعَ الدَّلْفَيْنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ . غلط

ترجمه : شنوایی انسان ده برابر بیش تر از شنوایی دلفین است .

(۴) سَمَكَ الْقَرْشِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ . غلط

ترجمه : کوسه ماهی دوست انسان در دریاها است .

(۵) سَمَكَ الْقَرْشِ عَدُوُّ الدَّلْفَيْنِ . صحیح

ترجمه : کوسه ماهی دشمن دلفین ها است .

(۶) لِلدَّلْفَيْنِ أَنْوْفٌ حَادَّةٌ . صحیح

ترجمه : دلفین ها بینی های تیزی دارند .



" إَعْلَمُوا " الْجَارَّ وَ الْمَجْرورُ " ص ۸۷



به حروف « مِنْ ، فِي ، إِلَى ، عَلَى ، بِ ، ل ، عَنْ ، ك ... » در دستور زبان عربی « حروف جر » می گویند . این حروف به همراه کلمه بعد از خودشان معنای جمله را کامل تر می کنند .

مثال : مِنْ قَرِيْبَةٍ ، فِي الْعَابَةِ ، إِلَى الْمُسْلِمِيْنَ ، عَلَى الْوَالِدِيْنَ ، بِالْحَافِلَةِ ، لِلَّهِ ، عَنْ نَفْسِهِ ، كَجَبَلٍ
به حرف جر ، جَارٌ و به اسم بعد از آن مَجْرور و به این دو « جَار و مَجْرور » می گویند .
سَلَامَةُ الْعَيْشِ ، فِي الْمُدَارَةِ . أَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٍّ

أَهْمُ مَعَانِي حُرُوفِ الْجَرِّ:

مِنْ : از

توشه ای برای موفقیت

﴿ ...حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ﴾ آل عمران : ۹۲

تا انفاق کنید از آنچه دوست می دارید (مِمَّا = مِنْ + ما)

﴿ أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ ﴾ الإنسان : ۲۱

دستبندهایی از جنس نقره

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ .

از اینجا تا آنجا

فِي : در

﴿ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ﴾ الْبَقَرَةِ : ۲۹

او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید .

النَّجَاهُ فِي الصِّدْقِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

رهایی در راستگویی است.

إِلَى : به ، به سوی ، تا

﴿ سَبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى ﴾ الْأَسْرَاءُ : ۱

پاک است کسی که بنده اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.

﴿ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ ﴾ الْبَقَرَةُ : ۲۵۹

گفت : « چقدر درنگ کردی؟ » گفت : « یک روز یا بخشی از یک روز ». گفت : « نه ، بلکه صد سال درنگ کردی؛ به خوراکی و نوشیدنی ات بنگر. »

كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ .

کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می کرد

عَلَى : بر ، روی

الْأَنَاسِ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

مردم بر دین پادشاهانشان هستند.

عَلَيْكُمْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید، زیرا پروردگار مرا به خاطر آن فرستاده است.

توجه : « عَلَيْكُمْ » اصطلاحی است که از معنای « جار و مجرور » خارج شده و معنای فعل یافته است.

الَّذِي هُوَ يَوْمَانِ ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

روزگار دو روز است ؛ روزی به سودت و روزی به زیانت.

الْحَقِيقَةُ عَلَى الْمِنْضَدَةِ.

کیف روی میز است.

بِ : به وسیله ، در

﴿ أَفْرَأَ وَ رَبَّكَ الْأَكْرَمَ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴾ الْعَلَقُ ۳ وَ ۴

بخوان و پروردگارت گرامی ترین است؛ همان که به وسیله قلم یاد داد.

﴿ وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ ﴾ آل عمران : ۱۲۳

و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.

لِ : برای ، از آن (مال) ، داشتن

﴿ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ ﴾ الْأَنْعَامُ : ۱۷۱

آنچه در آسمان ها و زمین است، از آن اوست.

﴿ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ ﴾ رَسُولُ اللَّهِ (ص)

هر گناهی جز بد اخلاقی توبه دارد.

﴿ لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِي ﴾ الْكَافِرُونَ : ۶

دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم.

﴿ لِمَاذَا رَجَعْتَ ؟ ﴾ لِيَأْتِي نَسِيْتُ مِفْتَاحِي .

برای چه برگشتی؟ برای اینکه کلیدم را فراموش کردم.

عَنْ : از ، درباره

﴿ وَ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ ... ﴾ الشُّورَى : ۲۵

او کسی است که توبه را از بندگان می پذیرد و از بدی ها درمی گذرد...

﴿ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ... ﴾ البقرة : ۱۸۶

و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند ، قطعاً من [به آنان] نزدیکم.

ك : مانند

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امت خودش است.

" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۱ " ص ۸۹

﴿ اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الْمُؤَلَّوَنَةَ .

۱- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ . الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ (ع)

ترجمه : علم بهتر از ثروت است . علم از تو محافظت می کند در حالی که تو از ثروت محافظت می کنی .

پاسخ : خَيْرٌ : خبر مرفوع / الْعِلْمُ : مبتدا مرفوع / الْمَالُ : مفعول منصوب

۲- شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَ الْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ وَ النَّسَبِ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ (ع)

ترجمه : عزت و شرف انسان به دانش و ادب است نه به اصل و نسب .

پاسخ : شَرَفٌ : مبتدا مرفوع / بِالْأَصْلِ : جار و مجرور

اسم ظاهر بعد از حروف جرّ ، مجرور است . علامت جرّ (، ، ،) در مفرد ، ین در جمع مذکر و ین در مؤنثی (است؛ مانند

الْكَاتِبِ ، كَاتِبٍ ، الْكَاتِبِينَ ، الْكَاتِبِينَ

" اخْتَبِرْ نَفْسَكَ ۲ " ص ۹۰

﴿ اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً .

۱- الْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ . مُنَظَّمَةٌ مُنَظَّمَةٌ

ترجمه : عربی از زبان های رسمی در سازمان ملل متحد است .

۲- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. اللَّهُ اللَّهُ

ترجمه : محبوب ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترین شان نسبت به بندگان است .

۳- إِيَّيْ رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ كِ الْقِيَامَةِ. هَجْرٌ هَجْرٌ

ترجمه : به راستی من روزگار را در دوری تو قیامت دیدم .

۴- أَعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَ بِلَا تَمْرِ . الشَّجَرِ الشَّجَرِ

ترجمه : دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است .

۵- سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ إِلَيَّ نِصْفَيْنِ نِصْفَانِ

ترجمه : سعید مزرعه را به دو قسمت تقسیم کرد .

۶- خُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنْ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْلِمُونَ

ترجمه : یک پنجم ساکنان دنیا از مسلمانان هستند .

*** ◆ ***

" نونُ الْوَقَايَةِ " ص ۹۱

*** ◆ ***

در متن درس با دو فعل « يَحِيرُنِي » و « أَخَذَنِي » رو به رو شدید.

يُحِيرُّ + ن + ي : مرا حیران می کند أَخَذَ + ن + ي : مرا بُرد ، مرا گرفت

وقتی که فعلی به ضمیر متکلم وحده « ي » وصل شود ، نونِ وَقَايَةِ بین فعل و ضمیر واقع می شود؛ مثال:

يَعْرِفُنِي : مرا می شناسد. اَرْفَعُنِي : مرا بالا بر.

هنگامی که دو حرف جرّ « مِنْ » و « عَنِ » نیز به ضمیر « ي » وصل شوند ، نونِ وَقَايَةِ میانشان می آید؛ مثال:

مِنْ + ي = مَنِّي / عَنِ + ي = عَنِّي

*** ◆ ***

" اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ " ص ۹۱

*** ◆ ***

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرَجِّمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ.

۱- ﴿ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ ﴾ إبراهيم : ۴۰

ترجمه : پروردگارا مرا برپا کننده نماز قرار بده .

کتاب کمک درسی عربی زبان قرآن (۱) پایه " دهم انسانی " درس هشتم محمد باقر بهروزی

۲- إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمُدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه: قطعاً خدا مرا به مدارا کردن با مردم فرمان داد همانگونه که مرا به برپائی واجبات فرمان داد.

۳- اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ شَكُوْرًا وَّ اجْعَلْنِيْ صَبُوْرًا وَّ اجْعَلْنِيْ فِيْ عَيْنِيْ صَغِيْرًا وَّ فِيْ اَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيْرًا. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه: خدایا مرا بسیار شکرگذار و بسیار شکيبا قرار بده و مرا در چشم (نظر) خودم کوچک و در چشمان (انظار) مردم بزرگ قرار بده (گردان).



" حواری " ص ۹۲



(حواری مع مشرف خدمات الفندق)

گفتگو با مدیر داخلی خدمات هتل

السائح : گردشگر	السائح : مسؤول الإستقبال : مسؤول پذیرش
عَفْوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْؤُولُ تَنْظِيفِ الْعُرْفِ وَالْحِفَافِ عَلَيْهَا؟ ببخشید، چه کسی مسؤول تمیز کردن اتاق ها و نگهداری از آنهاست؟	السيد دمشقي مشرف خدمات غرف الفندق. ما هي المشكله؟ آقاى دمشقى مدير داخلى خدمات اتاقهاى هتل است. مشكل چيست؟
كَيْسَتْ الْعُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ. اتاق ها تمیز نیستند و کمبودهایی (کاستی هایی) در آنهاست.	أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ رَجَاءً، اسْتِخْرَاحًا؛ سَأَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ. از شما معذرت می خواهم، لطفا استراحت کن با مدیر داخلی تماس خواهم گرفت.
مسؤول الإستقبال يتصل بالمشرف و يأتي المشرف مع مهندس الصيانة : مسؤول پذیرش با مدیر داخلی تماس می گیرد و مدیر داخلی همراه با مهندس تعمیر (ات) می آید.	
مشرف خدمات الفندق مدیر داخلی خدمات هتل	السائح گردشگر
ما هي المشكله، يا حبيبي؟! دوست من، مشكل چيست؟	كَيْسَتْ عُرْفَتِي وَ عُرْفُ زَمَلَائِي نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ. اتاق من و اتاق های همکارانم تمیز نیست. و در آنها کمبودهایی (کاستی هایی) است.
سَيَأْتِي عَمَالُ التَّنْظِيفِ، وَ مَا الْمَشْكَلاتُ الْأُخْرَى؟ کارگران نظافت خواهند آمد، مشكلات ديگر چيست؟	فِي الْعُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ مَكْسُورٌ : در اتاق اول تختی شکسته است. وَ فِي الْعُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشَفٌ نَاقِصٌ : و در اتاق دوم يك ملافه کم است. وَ فِي الْعُرْفَةِ الثَّلَاثَةِ الْمُكَيَّفُ لَا يَعْمَلُ : و در اتاق سوم کولر کار نمی کند.
نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ : از شما عذرخواهی می کنیم. سَنَصَلِّحُ كُلَّ شَيْءٍ بِسَرْعَةٍ؛ عَلَيَّ عَيْنِي. همه چیز را با سرعت تعمیر خواهیم کرد. به روی چشم	تَسَلَّمَ عَيْنِكَ ! چشمت سالم همانند (چشمت بی بلا)



صیانه : نگهداری ، تعمیرات

أَتَّصَلَ : تماس می گیرم
نُصِّلِحُ : تعمیر می کنیم

تَنْظِيفُ : پاکیزگی
شَرَشَفُ : ملافه

مُشْرِفٌ : مدیر داخلی
سَرِيرٌ : تخت



" التمارين ۱ " ص ۹۳



الَّتَمْرِينُ الْأَوَّلُ : عَيْنُ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ .

۱- عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ ، يَغْرَقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ . **صحيح**

ترجمه : هنگامی که در شب جریان برق قطع می شود ، همه جا در تاریکی فرو می رود (غرق در تاریکی می شود)

۲- الطَّاوُوسُ مِنَ الطَّيُورِ الْمَائِيَّةِ تَعِيْشُ فَوْقَ جِبَالِ ثَلْجِيَّةٍ . **غلط**

ترجمه : طاووس از پرندگان آبی است ، که بر فراز کوه های برفی زندگی می کند .

۳- الْمَوْسُوْعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيْرٌ جَدًّا يَجْمَعُ قَلِيْلًا مِنَ الْعُلُوْمِ . **غلط**

ترجمه : دانشنامه (دائرة المعارف) فرهنگ لغت بسیار کوچکی است که اندکی از دانش ها را در برمی گیرد (گردآوری می کند)

۴- الْأَنْفُ عَضُو التَّنَفُّسِ وَ الشَّمِّ . **صحيح** **شَمٌّ :** بویایی

ترجمه : بینی عضو نفس کشیدن و بوئیدن است .

۵- الْأَخْفَاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبَوْنَاتِ . **صحيح**

ترجمه : خفاش پرنده ای از پستانداران است .



توشه ای برای موفقیت

" التمارين ۲ " ص ۹۳



الَّتَمْرِينُ الثَّانِي : عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَ الْمُتَضَادَّةِ .

بَعَثَ	صَغَارَ	شَاطِئُ	أَرْسَلَ	بَغَى	كَبَّرَ	أَقَلَّ	ضَوءٌ	بَعَدَ	سَاحِلٌ
ضَحِكَ	ظَلَامٌ	أَكْثَرَ	بَغْتَةً	قُرْبَ	دَفَعَ	فَجَاءَهُ	كَتَمَ	اسْتَلَمَ	سَتَرَ

كَتَمَ = سَتَرَ (پوشاند)

بَغْتَةً = فَجَاءَهُ (ناگهان)

شَاطِئُ = سَاحِلٌ (ساحل)

بَعَثَ = أَرْسَلَ (فرستاد)

کتاب کمک درسی عربی زبان قرآن (۱) پایه " دهم انسانی " درس هشتم محمد باقر بهروزی

صغار (کودکان) # کبار (بزرگان) بگی (گریه کرد) # ضحك (خندید) أقل (کمتر) # أكثر (بیشتر)
ضوء (نور) # ظلام (تاریکی) بعد (دور شد) # قرب (نزدیک شد) دفع (پرداخت) # استلم (دریافت کرد)

" التمارين ۳ " ص ۹۴

۱ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ : تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَيْنِ ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِّ وَالْمَجْرُورِ ، وَادْكُرْ عَلَامَةَ الْجَرِّ .

۱ ﴿ وَ ادْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴾ الْآيَةُ : ۸۶

ترجمه : و آنها را در رحمت خود داخل نمودیم چون آنها از شایستگان بودند .

پاسخ : رحمة : مجرور با کسره / الصالحين : مجرور با حرف (ی)

۲ ﴿ وَ ادْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴾ النَّمْلُ : ۱۹ **عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ :** بندگان درستکارت

ترجمه : و مرا با رحمت خود در میان بندگان شایسته ات داخل کن .

پاسخ : رحمة ، عباد : مجرور با کسره

۳ ﴿ وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴾ آل عمران : ۱۴۷

ترجمه : و ما را بر گروه کافران یاری کن (پیروز گردان).

پاسخ : القوم : مجرور با کسره

۴ ﴿ اَدَّبِ الْمَرْءَ خَيْرٌ مِنْ دَهَبٍ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : ادب انسان بهتر از طلای اوست . **طلا :** کنایه از ثروت

پاسخ : دهب : مجرور با کسره



" التمارین ۴ " ص ۹۵



الْتَمَرِینُ الرَّابِعُ : تَرْجِمُ کَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ الْمُتَقَاتِعِ ، ثُمَّ اِکْتُبْ رَمَزَهُ . « کَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ »

یَبْلُغَنَّ / صِغَارَ / ذَاکِرَةَ / عَفَا / بَکَى / مُنْقَذَ / مَرَقَ / اَوْصَلَ / صَفَرُوا / غَنَيْتُمْ / سَمِعَ / طَيُّورَ / حَادَةً / دَوْرًا / لَبُونَةَ / كَذَلِكَ / جَمَارِكِ / زُبُوتَ / سَمِينًا / ظَاهِرَةَ / اَمْطَرَ / حَمِيمَ / ثُلُوجَ / سَوَارَ / رَائِعَ

		رمز			
ر		ا	غ	ص	۱ کوچک ها : صِغَارَ
ک		ل	ذ	ک	۲ این طور : كَذَلِكَ
ة		د	ا	ح	۳ تیز : حَادَةً
ة	ر	ه	ا	ظ	۴ پدیده : ظَاهِرَةَ
ا	و	ر	ف	ص	۵ سوت زدند : صَفَرُوا
ت	و	ی	ز		۶ روغن ها : زُبُوتَ
	ر	و	د		۷ نقش : دَوْرًا
	ع	م	س		۸ شنوایی : سَمِعَ
ع	ث	ا	ر		۹ جالب : رَائِعَ
ذ	ق	ن	م		۱۰ نجات دهنده : مُنْقَذَ
ا	ن	ی	م	س	۱۱ نامیدیم : سَمِينًا
ر	ا	و	س		۱۲ دستبند : سَوَارَ
م	ی	م	ح		۱۳ گرم و صمیمی : حَمِيمَ
ج	و	ل	ث		۱۴ برف ها : ثُلُوجَ
ة	ر	ک	ا	ذ	۱۵ حافظه : ذَاکِرَةَ
ة	ن	و	ب	ل	۱۶ پستاندار : لَبُونَةَ
و	و	ی	ط		۱۷ پرندگان : طَيُّورَ
ل	ص	و	أ		۱۸ رسانید : اَوْصَلَ
ر	ط	م	أ		۱۹ باران بارید : اَمْطَرَ
ا	ف	ع			۲۰ بخشید : عَفَا

ن	غ	ل	ب	ی	می رسند : يَبْلُغْنَ	۲۱
م	ت	ی	ن	غ	آواز خواندید : غَنَيْتُمْ	۲۲
	ی	ک	ب		گریه کرد : بَكَى	۲۳

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع) :
« الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ » : روزگار دو روز است روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو .

" التمارین ۵ " ص ۹۶

التَّمَرِينُ الْخَامِسُ : تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلُوتَةَ.

۱- ذَكَرُ اللهُ شِفَاءَ الْقُلُوبِ . رَسُولُ اللهِ (ص)

ترجمه : یاد خدا شفای دل ها است.

پاسخ : ذَكَرُ : مبتدا مرفوع / الْقُلُوبِ : مضاف الیه مجرور

۲- آفَةُ الْعِلْمِ النَّسيَانُ . رَسُولُ اللهِ (ص)

ترجمه : آفت علم و دانش فراموشی است.

پاسخ : آفَةُ : مبتدا مرفوع / النَّسيَانُ : خبر و مرفوع

۳- الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ . رَسُولُ اللهِ (ص)

ترجمه : همنشین شایسته بهتر از تنهایی است.

پاسخ : الْجَلِيسُ : مبتدا مرفوع / الْوَحْدَةِ : مجرور به حرف جر

۴- الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ .

ترجمه : تنهایی بهتر از همنشین بد است.

پاسخ : خَيْرٌ : خبر مرفوع / جَلِيسِ : مجرور به حرف جر

۵- لِسَانُ الْمُقْصِرِ قَصِيرٌ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

ترجمه : زبان مقصر (إهمال کار) کوتاه است.

پاسخ : الْمُقَصِّرُ : مضاف الیه مجرور

* ♦ * * ♦ *

" التمارین ۶ " ص ۹۶

* ♦ * * ♦ *

۱- التَّمْرِينُ السَّادِسُ : تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةَ.

۱- ﴿ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴾ النَّبَأُ : ۴۰

ترجمه : و کافر می گوید : ای کاش من خاک بودم.

پاسخ : الْكَافِرُ : فاعل و مرفوع

۲- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : همنشینی با دانشمندان عبادت است.

پاسخ : مُجَالَسَةُ : مبتدا و مرفوع / عِبَادَةٌ : خبر و مرفوع

۳- حَسُنَ السَّوَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : خوب پرسیدن نصف دانش است.

پاسخ : حَسُنَ : مبتدا و مرفوع / نِصْفُ : خبر و مرفوع

۴- الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.

پاسخ : الْعَالِمُ : مبتدا و مرفوع / الشَّجَرِ : مجرور به حرف جر

۵- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ : صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ ، أَوْ وَكْدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : هرگاه انسان بمیرد عملش قطع می شود بجز سه کار : صدقه جاریه ، یا علمی که از آن بهره (سود) برده می شود ، یا

فرزند صالحی که برای او دعا (خیر) می کند.

پاسخ : الْإِنْسَانُ : فاعل و مرفوع / عَمَلٌ : فاعل و مرفوع / ثَلَاثٌ : مجرور به حرف جر .



" اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيَّ " ص ۹۷



اَبْحَثْ عَن قِصَّةِ حَقِيقِيَّةِ قَصِيْرَةٍ حَوْلَ حَيَّوَانٍ ، وَ اَكْتُبْهَا فِي صَحِيْفَةٍ جِدَارِيَّةٍ ، ثُمَّ تَرْجِمْهَا اِلَى الْفَارْسِيَّةِ ، مُسْتَعِيْنًا مَعْجَمَ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ .

ترجمه: دنبالِ قصه ای حقیقی و کوتاه درباره حیوان بگرد و آنرا در روزنامه ای دیواری بنویس سپس آنرا با کمک واژه نامه عربی به فارسی ترجمه کن .



منتظر ارسال پیشنهادات و انتقادات اساتید هستم (Mohba_behruzi@)

" محمد باقر بهروزی "

اسفند ۹۶

رفتن به ابتدای صفحه

ایران توننده

توشه ای برای موفقیت

ایران توشه

- دانلود نمونه سوالات امتحانی
- دانلود گام به گام
- دانلود آزمون گاج و قلم چی و سنجش
- دانلود فیلم و مقاله انگلیزی
- کنکور و مشاوره



IranTooshe.ir



@irantooshe



IranTooshe

